

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۸۴

جمعه ۱۳ مهر ۱۳۹۷، ۵ اکتبر ۲۰۱۸

جایگاه دو اعتصاب مهم در فضای سیاسی ایران

اصغر کریمی

اعتصاب سراسری سیاسی در کردستان در روز ۲۱ شهریور که بخش قابل توجهی از استان کرمانشاه را نیز در بر گرفت و اعتصاب سراسری کامیونداران که دور سوم آن از اول مهر شروع شده است را باید بعنوان دو واقعه مهم سیاسی بشمار آورد که هم نشانه بارزی از فضای سیاسی پر تحول جامعه است و هم سرمنشاء تغییرات بزرگی خواهد بود.

اعتصاب در استان های کردستان و کرمانشاه در پاسخ به اعدام سه جوان زندانی بود. همزمان با این اعدام ها جمهوری اسلامی مقر دو حزب اپوزیسیون در خاک عراق را موشک باران کرد تا با ارباب مردم، مانع اعتراض وسیع و توده ای شود. اما به فراخوان احزاب سیاسی اعتصاب یکپارچه ای صورت گرفت و توطئه جمهوری اسلامی را نقش بر آب کرد. اعتصاب رانندگان کامیون نیز در مقطعی شروع شد که در احوال به رژه نیروهای نظامی حکومت حمله شد که اگر فضای مبارزاتی بالایی در جامعه نبود رژیم فرصت می یافت از آن برای ارباب جامعه و بویژه عقب راندن کارگران و مردم معترض در شهرهای خوزستان استفاده کند و برای مدتی فضای مبارزاتی را عقب میراند. اما فراخوان رانندگان که از قبل داده شده بود سرعت، و بدون توجه به خیالاتی که رژیم در سر دارد، یک روز پس از حمله به رژه حکومت، در سراسر کشور و از جمله در شهرهای خوزستان عملی شد و اعتصاب بزرگی سازمان داده شد.

این دو اعتصاب قبل از هرچیز نشاندهنده تغییراتی اساسی است که در توازن قوا میان مردم و حکومت ایجاد شده است. نشاندهنده تضعیف حکومت و برتری مردم در جدالی است که در سراسر جامعه جریان دارد. و به سهم خود بر فضای سیاسی جامعه و اعتراضات مردم تاثیر قابل توجهی خواهد گذاشت و تا همینجا تاثیر گذاشته است. این دو اعتصاب به مردم اعتماد بنفس بیشتری داد که دوره تاخت و تاز حکومت تمام شده است و علیرغم سببیتی که دارد و علیرغم دستگیری ها و سرکوب ها مردم کوتاه نمیایند. ۱۵۰ راننده کامیون را گرفته اند اما رانندگان بر اتحاد و اعتصابشان تاکید بیشتری گذاشته اند، گام های بزرگی به جلو برداشته اند از جمله فراخوان به تشکیل صندوق اعتصاب و جامعه همبستگی اش را با آنها بیشتر کرده است. مردم رسوایی حکومت و دست های خالی ارگان ها و مقاماتش را میبینند و بیشتر به توانایی ها و قدرت خود پی میبرند. در مورد این دو اعتصاب نکات زیادی میتوان گفت از نقش احزاب سیاسی اپوزیسیون در کردستان، فضای مدرن و روحیات

صفحه ۲

آلترناتیوهای راست در مقابل آزادیخواهی

و برابری طلبی مردم

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی در مورد "فرشگرد و تقای راست برای آلترناتیوسازی"

صفحه ۳

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

کاظم نیکخواه: تغذیه تروریستها و بن بست سرمایه گذاری، روحانی و طلب توقع کمتر

حسن صالحی: جنایت و وقاحت

شهاب بهرامی: سیم آخر؟

صفحه ۴



اعتصاب رانندگان کامیون یک الگو است

مصاحبه با شهلا دانشفر

صفحه ۵

تشکیل صندوق اعتصاب گامی مهم در ادامه حرکت رانندگان

صفحه ۲

وقتی اسلام و سرمایه در هم ادغام میشوند

در حاشیه سخنان بی شرمانه وزیر بهداشت حکومت اسلامی

هر انسانی را که ذره ای حس انسانیت در وجودش جاری است، بر می انگیزد. ماجرا از این قرار است:

مصاحبه گر می پرسد: "خانواده های که به این بیماری مبتلا هستند، فرزندانشان به این بیماری مبتلا هستند، میگویند

صفحه ۱۰

معینی از تماشای آنچه در ادامه خواهد آمد، خود داری کنند. شاید ذکر چنین هشداری در این جا نیز بی مسما نباشد.

اخیرا وزیر بهداشت در مصاحبه خود مطالبی گفته است که عمق نگرش کثیف اسلام و سرمایه را در قبال جان انسان به نمایش میگذارد. نفرت و انزجار

علی جوادی

قانونی و شاید هم سنتی در رسانه های تصویری غرب وجود دارد که قبل از نمایش عکس ویا صحنه ای شنیع و تکان دهنده به بینندگان خود هشدار میدهند و از آنها میخوانند که در صورت بیماری قلبی و یا حساسیت های

درباره کمپین سنگهای سکندری

مصاحبه با مینا احدی

صفحه ۹

در باره اعدام زینب سکانوند

حسن صالحی

صفحه ۱۲

اعتصاب کارگران راه آهن

و چند خبر اعتراضی دیگر

صفحه ۵

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد ویژگیهای سیاسی

کردستان ایران

صفحه ۱۱

جایگاه دو اعتصاب مهم ...

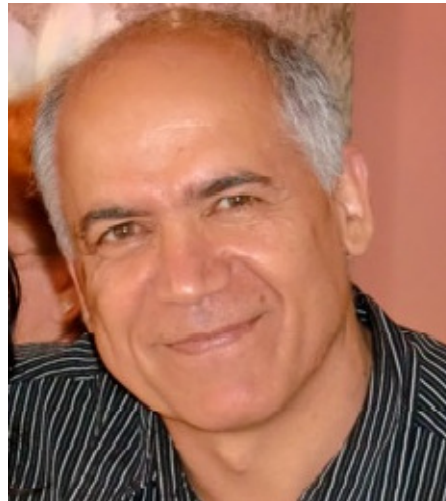
از صفحه ۱

پیشروی که در اعتصاب رانندگان کامیون دیده میشود، استفاده موثر و سازمانیافته از مدیای اجتماعی برای ایجاد هماهنگی و حفظ اتحاد و خنثی کردن توطئه های حکومت، تاکتیک های جالب و اشکال متنوع سازماندهی، فضای چپ جامعه و اینکه چطور هر مبارزه قدرتمندی بویژه اگر ادامه دار باشد ظرفی میشود برای تقویت همبستگی عمومی مردم. در عین حال روشن تر شدن فاصله عمیق مردم با جریانات راست. تک تک این نکات بسیار حائز اهمیت است و در مورد هر کدام میتوان مفصل بحث کرد. اما اینجا میخواهم فقط بر یک نکته کلیدی تاکید کنم.

این دو اعتصاب زمینه اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی را بسیار تقویت کرد. بخش های بیشتری از مردم را متوجه کرد که اعتصاب عمومی دور از دسترس نیست. در واقع پیام این دو اعتصاب به کل جامعه این بود که وقت اعتصاب عمومی در سراسر کشور دارد فرا میرسد و باید آماده شد.

روشن است که اعتصاب عمومی نیاز به زمینه های اقتصادی و سیاسی دارد. آیا در حال حاضر این زمینه ها فراهم است؟ بنظر من کاملا فراهم است. اقتصاد بحران زده ای که اکثریت مردم را به فقر مطلق رانده، میلیون ها بیکار، ورشکستگی مراکز تولید و بیکارسازی های میلیونی در آینده نزدیک، گرانی بی سابقه کالاها، حدود ۲۰ میلیون حاشیه نشین فاقد کوچکترین امکانات زندگی، و حکومتی که از فاسدترین حکومت های جهان است، حکومتی منزوی در میان مردم و در سطح بین المللی، عقب رانده شدن حکومت در منطقه و نرمش های قهرمانانه که پوشالی بودن اقتدار حکومت را حتی در میان نیروهای سرکوبش عیان کرده است، و همه اینها بر متن جامعه ای معترض و پر تحرك، اینها فاکتورهای مهم و در عین حال ادامه دار و قابل اتکایی است که زمینه را برای خیزش های عظیم مردمی فراهم کرده است. فاکتورهایی که اشاره کردم رژیم را در موقعیتی قرار داده که توان پاسخگویی به کوچکترین خواست های مردم را ندارد تا بتواند بخشی از مردم را حتی شش ماه راضی نگهدارد. خود مقامات هم کتمان نمیکند که امکان پاسخگویی به مطالبات ساده مردم را ندارند. حقوق های عقب افتاده بیشتر میشود، بیکاری با سرعت بیشتری افزایش می یابد، کالاها فوق العاده گرانتر میشود، رژیم حتی توان پرداخت حقوق نیروهای سرکوب را در آینده ای نزدیک نخواهد داشت و در چنین شرایطی هم توان سرکوب آن پایین میآید و هم مردم کمتر مرعوب میشوند. جریان اصلاح طلبی نیز از مقطع دیماه حاشیه ای شده و دیگر فاقد نفوذی برای مقابله با جنبش سرنگونی طلبانه است. خیزش دیماه در متن چنین شرایطی اتفاق افتاد. و نه ماه گذشته همه عوامل فوق بطور قابل توجهی تشدید شده است. اینها همه زمینه های عینی و مبارزاتی خیزش های عظیم و سراسری و از جمله اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی است.

اعتصاب عمومی در یک جامعه ممکن است حتی بدون این مجموعه عوامل و تنها بخاطر یک تصمیم حکومت



علیه مردم صورت گیرد اما در چنین شرایطی نیاز به تشکل های سراسری کارگری و توده ای است که در ایران فاقد آن هستیم. اما اعتصاب عمومی در جوامعی مانند ایران و در شرایط یک تحول انقلابی نیز کاملا زمینه پیدا میکند. سال ۵۷ اعتصابات کارگری در عرض مدت کوتاهی و بدون هیچ نوع تشکل کارگری یا توده ای به اعتصابات سراسری و عمومی فرارویدید. جو عمومی جامعه، رشد نارضایتی و اعتراض، ریختن ترس مردم و بحران اقتصادی و سیاسی لاعلاج حکومت اینها فاکتورهایی است که اعتصاب عمومی و سراسری را امکانپذیر میکنند. اما اگر در سال ۵۷ اعتصاب عمومی در کوران انقلاب شکل گرفت، با توجه به تفاوت های عمیق و همه جانبه ایران امروز با سال ۵۷، امکان اعتصاب عمومی در شرایط کنونی کاملا امکانپذیر است. قبل از شروع انقلاب ۵۷ یک اعتصاب ساده نیز به سادگی امکانپذیر نبود در حالیکه اکنون با سالی چند هزار اعتصاب و تجمع مواجیم، تشکل های توده ای نیز بدرجاتی در میان بخش هایی از جامعه با استفاده از مدیای اجتماعی شکل گرفته است یا در واقع مدیای اجتماعی امکان تصمیم گیری سراسری را برای بخشهایی از طبقه کارگر مانند معلمان و بازنشستگان، رانندگان، کارگران مخابرات و راه آهن، نفت آب و برق و آتش نشانی و غیره فراهم کرده است. رسانه های اپوزیسیون سرنگونی طلب را نیز نباید دست کم گرفت. قدرت آنها را در اعتصاب عمومی کردستان در روز ۲۱ شهریور شاهد بودیم. در سطح سراسری نیز نقش احزاب سرنگونی طلبی مانند حزب کمونیست کارگری و رسانه های آنها فاکتوری غیر قابل صرفنظر کردن است.

در متن چنین شرایطی است که این دو اعتصاب بزرگ و توده ای عامل مهمی در جهت دامن زدن به اعتصابات سراسری بخش های مختلف کارگران و اعتصاب عمومی است. اعتصاب در کردستان یک روزه بود و پایان یافت اما تاثیرات عمیقی در سراسر کشور و بویژه در استان های کردستان و کرمانشاه باقی گذاشت. اعتصاب رانندگان اما در جریان است و از هر نظر قابل پشتیبانی فعال همه مردم است. هم برای به پیروزی رساندن این اعتصاب معین و هم بدلیل تاثیرات عمیقی که در کل جامعه خواهد داشت.

اطلاعیه شماره ۱۱ تشکیل صندوق اعتصاب گامی مهم در ادامه حرکت رانندگان

دو هفته از اعتصاب رانندگان کامیون میگذرد. این اعتصاب تا هم اکنون به ۲۸۲ شهر رسیده است. مثل هر اعتصاب ادامه داری، یک معضل اساسی بسیاری از رانندگان کامیون برای ادامه اعتصاب تامین هزینه های زندگی شان است. رانندگان کامیون برای مقابله با این مشکل به تشکیل صندوق همبستگی مالی در شهرهای مختلف فراخوان داده اند. صندوق همبستگی مالی صندوق اعتصاب رانندگان کامیون است و یک سنت شناخته شده در اعتصابات کارگری است. رانندگان کامیون با اعلام این صندوق عزم خود را برای ادامه اعتصابشان نشان میدهند. در متن این فراخوان چنین آمده است:

"دوستان و همکاران عزیز و گرامی، برخی از همکارانمان مشکلات مالی برای حل برخی موضوعات یومیه شان دارند، برای حفظ یکپارچگی و اتحادمان در اعتصاب، درخواست داریم، در هر شهر و محله همکاران عزیز یک صندوق تشکیل بدهند و هر کدام مبلغی را در صندوق بگذارند تا بتوان از این صندوق مشکلات دوستان و همکارانی را که معضل دارند حل کرد و به این صورت صفوف و همبستگی اعتصاب را حفظ کنیم."

رانندگان کامیون با فراخوان تشکیل این صندوق ها در شهرهای مختلف عزم جزم خود را برای ادامه اعتصابشان نشان میدهند. تشکیل صندوقهای همبستگی مالی گام مهمی در سازمانیابی اعتصابات کارگری است که در مقابل کل جامعه راه قرار میدهد.

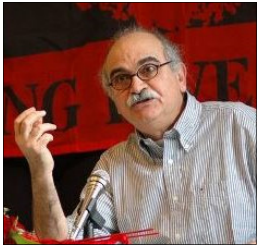
ایجاد صندوق های همبستگی مالی که همان صندوق های اعتصابات کارگری است شکلی از همبستگی مبارزاتی با رانندگان اعتصابی است و باید آنرا تقویت کرد. فراخوان ایجاد این صندوقها همچنین تشکیل "شوراهای هماهنگی اعتصاب" پیشرویهایی مهم در سازمانیابی اعتصابات کارگری و سراسری است. حزب کمونیست کارگری از این اقدام پیشرو رانندگان کامیون حمایت کرده و همگان را به کمک به این صندوق ها و همبستگی مبارزاتی با رانندگان اعتصابی فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مهر ۱۳۹۷، ۴ اکتبر ۲۰۱۸

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

آلترناتیوهای راست در مقابل آزادیخواهی و برابری طلبی مردم مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی در مورد "فرشگرد و تقوی راست برای آلترناتیوسازی"



و خاک و پرچم و تمامیت ارضی و سابقه رژیم پهلوی و غیره که بوسیله همین رسانه ها لانس می شود بیگانه است. همانطور که اشاره کردم این تلاشها جایگاه چندانی در جامعه ندارد. حتما یک قشری هم طرفدار نیروهای راست است - بالاخره ناسیونالیسم و خاکپرستی و پرچم پرستی را به جزئی از فرهنگ عمومی تبدیل کرده اند - ولی وقتی در یک سطح عمومی آن موج عظیم و آن رودخانه پرخروشی که برای بزیر کشیدن حکومت به راه افتاده است را مد نظر قرار می دهید می بینید که جریان این رود اساسا با نشانه ها و نمادها و شعارها و چهره ها و ارزشهای چپ شکل گرفته و به پیش می رود و نه با راست.

سجاد اکبری: فکر می کنید با موضوعی که فرشگرد و دیگر راستها دارند نظیر تشدید تحریمها و یا حمایت از حمله نظامی و جنگ، میتوانند افکار عمومی را به خودشان جلب بکنند؟

حمید تقوایی: به هیچوجه. مردم نه خواهان جنگ هستند و نه خواهان گرانی و تورم و فقر و کمبود مایحتاج عمومی که میدانند در اثر تحریمها تشدید خواهد شد. مردم خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند و در مبارزاتشان این هدف را دنبال میکنند. اگر تحریمهای اقتصادی میتوانند رژیم را سرنگون کند رژیم صدام حسین که بیش از ده سال تحت سخت ترین تحریمها بود میبایست سرنگون میشد. اما چنین نشد و بالاخره ناگزیر شدند با تهاجم نظامی و فاجعه ای که هنوز هم نتایج مخربش را در عراق و منطقه می بینیم صدام را کنار بزنند. در ایران هم تحریمها جمهوری اسلامی را ساقط نمیکند، مبارزات سراسری و متحد مردم و انقلاب نهایتا حکومت را بزیر خواهد

مبارزات توده مردم بخصوص وقتی چپ در آن نقش اساسی دارد در این رسانه ها منعکس نشود. مورد اعتصاب عمومی در کردستان اولین بار نیست. تمام مبارزات حزب ما علیه اعدام، فعالیتهای حزب برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه سنگسار، در دفاع از پناهندگان، فعالیتهای حزب علیه رشد اسلام سیاسی در خود کشورهای غربی، فعالیتهایی که حتی در برخی از رسانه های غربی منعکس میشود، در رسانه های راست فارسی زبان یا اصلا مطرح نمیشود یا بصورت ناقص و سرو دم بریده و به شکل تحریف شده ای گزارش میشود. این رسانه ها چپ را مدام نادیده میگیرند، کنار میزنند و اخبارش را منعکس نمیکند. منظور من از چپ فقط احزاب و سازمانها نیستند. حتی چپ اجتماعی و رخدادهایی که با چپ تداعی میشود مثل اعتصاب شهرهای کردستان جای چندانی در این رسانه ها ندارد. از سوی دیگر جریان بی پایه و مایه ای نظیر فرشگرد را حواحلوا میکنند و روی دست بلند میکنند. این ناشی از خط و مواضع راست این رسانه ها است. اینها عملا از سیاست دولتهای غربی پیروی میکنند که نگران هستند مردم ایران بتوانند خودشان بلند بشوند و قدرت را بدست خودشان بگیرند و دیگر جانی برای امثال رضا پهلوی ها و مریم رجوی ها و نیروهای وابسته به دولتهای غربی در سیاست ایران باقی نماند.

جامعه ایران، و مبارزات مردم ایران، جوانان، زنان، کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، مبارزات مردم در هر عرصه ای اساسا چپ است و با خواست آزادی و رفاه و برابری و یک زندگی انسانی درخور شان بشر قرن بیست و یکم عجین شده است و با این نوع شعارها و خواستها به پیش می رود که کاملا از ارزشها و افق و سیاستهای راست نظیر قدوسیت آب

خاکپرستی و شاه پرستی بعلاوه رویکرد به غرب و جلب حمایت دولتهای غربی را قرار میدهند. میخواهند بخیال خودشان با این تلاشها نقش و جایگاهی در سناریوهای رژیم چینی پیدا کنند. ولی به نظر من جامعه دست رد به سینه آنها خواهد زد. در شرایطی که جامعه بلند شده برای خواسته های پایه ای مثل آزادی و رهائی، که راست تلاش میکند به دموکراسی تنزلش بدهد، مثل ضدیت با هر نوع بیحقوقی و تبعیض و محرومیت، که راست میخواهد در چارچوب تنگ حقوق بشر مسخ اش کند، و مثل برابری و رفع فاصله عظیم بین فقر و ثروت، که اصلا از دگرترین و تفکر نیروهای راست غایب است، در چنین شرایطی نیروهای راست نمیتوانند در میان توده مردم جایگاهی داشته باشند. اکثر قریب باتفاق فعالین جنبشهای اعتراضی جاری نیروهای چپ هستند. همین دو هفته قبل اعتصاب عمومی در کردستان شکل گرفت که نیروهای چپ در آن نقش تعیین کننده و کلیدی ای ایفا کردند. در مقابله با این شرایط می شد انتظار داشت که بخشی از نیروهای راست به هراس بیفتند و پرچم کمونیسم ستیزی را بلند کنند. فرشگرد دارد این نقش را ایفا میکند.

سجاد اکبری: به نظر شما چرا رسانه های راست در یک اقدام همزمان به حمایت از فرشگرد پرداختند در صورتی که بسیاری از رویدادها و اتفاقات مهم را پوشش نمیدهند. همانطور که خودتان اشاره کردید اخیرا شاهد اعتصاب گسترده ای در شهرهای مختلف کردستان بودیم اما این رسانه ها اشاره ای به رویداد نداشتند. این مساله را چطور بررسی میکنید؟

حمید تقوایی: این رسانه ها اگر نه رسما ولی عملا خط دولتهای غربی را دنبال و نمایندگی میکنند. و قابل انتظار - و نه البته بهیچوجه قابل قبول - است که اعتراضات و

بشوند. در چنین فضایی و در این جو هست که این تلاشهای راست شروع شده تا مگر از رادیکالیته شدن حرکت مردم جلوگیری کنند و به نحوی با اتکا به آمریکا و دولتهای غربی بجائی برسند و نقشی در آینده ایران داشته باشند.

سجاد اکبری: چرا تشکل فرشگرد در این برهه زمانی که شرایط سرنگونی جمهوری اسلامی مهیا شده است اعلام موجودیت میکند؟ حمید تقوایی: تمایز فرشگرد با بقیه جریانات راست در اپوزیسیون اینست که اولاً خیلی صریح و آشکار اعلام میکند باید به دولت ترامپ متکی شد و تحریمها و حتی جنگ را یک عامل مثبت میدانند و ثانیاً صریحا اعلام میکند ضد کمونیست است. اعلام موجودیت چنین جریانی قبل از هر چیز نشاندهنده اینست که جامعه و خیزش عمومی مردم اپوزیسیون راست را به هراس انداخته است. نیروهای راست از اینکه چپ در این شرایط نیرو بگیرد و نفوذ کسب کند و بقدرت برسد شدیداً بیمناک هستند و به همین خاطر بخشی از این نیروها صریحا خود را ضد "ارتجاع سرخ و سیاه" معرفی میکنند یعنی درست همان خط تبلیغاتی که دیکتاتوری شاه دنبال میکرد.

فرشگرد خود ارتجاع سیاهی است که علیه آزادیخواهی و برابری طلبی و علیه خواستهای رادیکال و انسانی چپ در جامعه، در مقابل مبارزات مردم علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی، علیه تبعیض و بی حقوقی، علیه بیکاری و گرانی و فقر و فلاکت و غیره علم شده است. علم شده است تا این گرایش چپ و رادیکال در جامعه را تحریف و مسخ کند و جنبش سرنگونی طلبانه مردم را که با این خواستها نمایندگی میشود به کانال دیگری بیاندازد. در مقابل مبارزه شفاف و رادیکال و حق طلبانه مردم بازگشت به کمونیسم ستیزی نوع آریامهری بعلاوه نژادپرستی و

سجاد اکبری: سؤال اول من در رابطه با کل جریانات راست است. روندی که جریانات راست از رضا پهلوی تا سازمان مجاهدین تا دیگر افراد و نیروهای راست برای آلترناتیو شدن در چند ماه گذشته و مشخصاً از دیماه ۹۶ تا کنون طی کرده اند را چطور ارزیابی و بررسی میکنید؟

حمید تقوایی: فصل مشترک نیروهای راست اینست که متکی هستند به قدرت دولتهای غربی و مشخصاً آمریکا. همه سازمانها و چهره های جنبش راست روی این حساب باز کرده اند که با جلب حمایت دولت آمریکا و متحدینش در منطقه نظیر عربستان و غیره به نحوی بتوانند بعد از جمهوری اسلامی در قدرت سیاسی سهم بشوند و یا در هر حال در آلترناتیوهایی که مورد نظر دولتهای غربی هست اینها هم نقشی بعهد داشته باشند. این اساس استراتژی همه نیروهای راست است: از مجاهدین که خیلی واضح و صریح با مقامات عربستان سعودی عکس میگیرند و در کریدورهای سنای آمریکا و اتحادیه اروپا و به کمک دیپلماتهای اجاره ای و غیره به خیال خودشان مشغول جلب همراه و حامی هستند تا سلطنت - جمهوریخواهانی که مشخصاً روی ترامپ حساب باز کرده اند، روی تحریمهای اقتصادی حساب کرده اند، و صریحا اعلام کرده اند که به کمک ترامپ میخواهند تغییری در اوضاع ایران بوجود بیاورند. فصل مشترک همه اینها خیزش بقرت از بالای سر مردم است.

در نقطه مقابل این خط و گرایش راست بخصوص از دیماه ۹۶ تا امروز ما شاهد این هستیم که جامعه پیا خاسته است برای اینکه جمهوری اسلامی را بزیر بکشد. مردم، کارگران، زنان، بازنشستگان، معلمان، جوانان بمیدان آمده اند تا با اتکا بقدرت خودشان از شر جمهوری خلاص

روحانی و طلب توقع کمتر

کاظم نیکخواه

بود ای آنکه مذاکره شعارت، استختر فرح در انتظارت" که آشکارا اشاره به خفه شدن رفسنجانی در استخر بود. از این نوع تهدیدات در درون صفوف حکومت به زبانهای مختلف زیاد شنیده میشود.

اما بهرحال از يك نظر اینكه فراخوان داده شده كه توقع از دولت روحانی "متناسب با شرایط حساس" كنوانی باشد، توقع بجایی از جانب روحانی است. مردمی كه در تمام دوره های گذشته تاكنون چیزی جز چپاول و اعدام و سرکوب از این حکومت ندیده اند، توقعی كه در این "شرایط حساس" از حکومت اسلامی و شخص رئیس جمهورش دارند اینست كه گوش را گم كند و برود. این حکومت در شرایط غیر حساس هم چیزی جز كشتار و اعدام و محرومیت نصیب مردم نكرده است كه از مردم توقع دیگری داشته باشد.

حقیقت اینست كه حکومت اسلامی در گرداب بحران و فلج اقتصادی و خشم و نفرت مردم قرار دارد و جناب روحانی این را میداند. او میخواهد همه چیز را به گردن ترامپ و برجام بیندازد. اما مردم به جان آمده ایران از اینکه شاهد انزوا و درماندگی حکومت اسلامی باشند بیش از آنکه نگران شوند، خوشحال و امیدوارتر میشوند و مصمم تر به مبارزه برای سرنگونی حکومت شدت میبخشند.

حسن روحانی روز چهارشنبه در يك سخنرانی گفت كه "اوضاع كنوانی كشور پیچیده است و توقعات از دولت باید متناسب با شرایط غیرعادی و حساسی باشد كه در آن قرار داریم". حسن روحانی در ادامه این سخنان از دوزخدادیها خواسته است كه "حفظ و ارتقای امید و اعتماد عمومی" را اصلی ترین مسئله خود بدانند. روحانی میداند كه بخشی از كاهش توقع مردم نسبت به حكومت و دولت او معنای زیادی ندارد. كارگران و معلمان و بازنشستگان و مالباختگان و دانشجویان و زنان هرروز دارند خواهشهایشان را با صدای رسا اعلام میکنند و برای آن مبارزه میکنند و پاسخی كه از حكومت گرفته اند چیزی جز تلاش برای سرکوب این اعتراضات نبوده است. در واقع روحانی دارد رو به صفوف خود حكومتیان میگوید كه توقعات را كاهش دهید و در برابر مردم خشمگین در كنار دولت بایستید. اما این فراخوان هم عملاً كار بجایی نبرده و نخواهد برد. برعكس بقول معروف هرچه گاری بیشتر به سربلایی می افتد اسبها بیشتر همدیگر را گاز میگیرند. مدتی پیش در قم تظاهراتی علیه دولت روحانی توسط طلبه های جناح مقابل براه افتاد و يك پلاكاردش توجه همه را به خود جلب كرد كه روی آن نوشته شده

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

تغذیه تروریستها و بن بست سرمایه گذاری

کاظم نیکخواه

این هفته موحدی کرمانی امام جمعه موقت تهران در دیدار با اعضای "شورای مرکزی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان" در پاسخ به سوالی در مورد معاهده FATF یا گروه کار ویژه بین المللی ضد پولشویی گفت: "حتما این يك چیز خطرناکی است و مجلس باید بیدار و مراقب باشد. رئیس شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تاکید كرد: این معاهده باعث می شود "به طور مثال اگر ما بخواهیم كمکی به حزب الله و امثال آنها بكنیم، جلوی ما را می گیرد". میشود فهمید كه منظور موحدی کرمانی از "امثال آنها" چه گروههای آدمکش دیگری است.

" FATF یا معاهده بین المللی ضد پولشویی برای جمهوری اسلامی به دردسر جدی ای تبدیل شده است. این معاهده اساسا علیه گروههای تروریستی و مافیائی است. در لیست سیاه این معاهده از ایران بعنوان یکی از دو كشوری كه سیستم اقتصادیشان به پولشویی جریانات تروریست و مافیائی امکان نفوذ میدهد یاد میشود و دولتها از همکاری با آن منع شده اند. كشور دوم كه شمالی است كه اینجا مورد بحث نیست. تا آنجا كه به جمهوری اسلامی مربوط میشود دولت روحانی زیر فشار بانكها و به امید اینکه بتواند سرمایه گذاری محدود بین المللی در ایران را تشویق به گسترش كند، از مدتی پیش بحث در مورد FATF را به مجلس برد. حتی دولتهایی مثل دولت فرانسه و آلمان بدون امضای این معاهده بسادگی نمیتوانند با سیستم بانکی جمهوری اسلامی همکاری كنند. از

زمان طرح تصویب معاهده ضد پولشویی معضلات جدی حكومت اسلامی در سطح بین المللی بطور جدی تری روی میز آمده است و نزاع و كشاكش های درونی حكومت را تشدید كرده است.

" FATF دولتها را ناچار میکنند كه امکان كنترل سیستم بانکی شان توسط ناظران بین المللی را فراهم كنند و جمهوری اسلامی كه در لبنان و عراق و یمن و افغانستان و بسیاری جاهای دیگر تروریستها را با پولهای كلان تغذیه میکند و سالاهاست يك سیستم پولشویی را برای جریانات مافیائی فراهم آورده، نمیتواند از این نظارت روسفید بیرون بیاید. خامنه ای مدتی پیش در مورد این پیمان گفت كه مجلس تصمیم میگیرد. اما بعدا آنرا ساخته و پرداخته دشمنان جمهوری اسلامی دانست و گفت ما باید مستقلا خودمان قوانین ضد پولشویی را تصویب كنیم. اما این نوع قوانین "مستقل" را جمهوری اسلامی فی الحال يك دوجین دارد و بدر چیزی نمیخورد. مساله اساسی متزوی ماندن حكومت اسلامی به دلیل حمایت از تروریسم است و اینجاست كه FATF به بلای تازه ای برای این حكومت تبدیل شده است. بویژه بانكها و موسسات سرمایه گذاری بین المللی بدون امضای چنین پیمانی برای ورود به ایران با مانع جدی تری روبرو میشوند و بهمین دلیل آن تعداد معدودی هم كه با سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی مرتبط هستند، بتدریج ایران را ترك میکنند.

واقعا حكومتی كه اقتصاد و سیاست و مذهبش در دنیای امروز به بن بست رسیده، آیا ساده ترین راه برایش این نیست كه گم بشود و مردم را راحت بگذارد؟

جنایت و وقاحت

حسن صالحی

علی اكبر ولایتی سوكلی خامنه ای و مشاور او در امور بین الملل گفته است: "ازیمنی ها یاد بگیریم كه چگونه مقاومت می كنند. به جای لباس لنگ می بندند، و اسلحه به دست دارند و چند تا نان خشك دستشان است."

این نوع یاهه گوییهای تهوع آور برای مردم ایران كه فقر و محرومیت از سر و كولشان بالا می رود حكم نمك روی زخم را دارد. زخم عمیق فقر و گرسنگی كه جمهوری اسلامی بر پیکر جامعه ایران وارد آورده است. حاكمان میلیاردر اسلامی به جای اینکه در مقابل رنج و فقر مردم جوابگو باشند با این هذیانها وعده بدتر شدن اوضاع را می دهند.

آیا حاكمان از وضع مردم بی خبرند و یا خود را به نفهمی می زنند؟ خیر! نه بی خبرند و نه خود را به نفهمی می زنند. آنقدر این تخت شاهی اسلامی برایشان نفع و ثروت داشته است كه نمی خواهند آنرا براحتی از

دست دهند. مردم را به فقر بیشتر دعوت می كنند و خود در ویلاهای شاهانه لم میدهند و حتما شكرد خدایشان را هم به جای می آورند كه چنین نعماتی را به این اقلیت مفت خور ارزانی كرده است.

داستان جامعه ما اساسا داستان همه جوامع سرمایه داری است. بخش کوچکی از جامعه غنی و ثروتمند تر و بخش بزرگتری فقیر و فقیرتر می شوند. اما در ایران این مساله با بخور و بچاپ رانت خوران، زمین خوران، جنگل خوران و دزدسالاران حرفه ای و خوردن حقوق كارگران باعث شده است كه این شكاف به يك دره عمیق میان يك طبقه انگل و مافیائی و بخش عظیم جامعه تبدیل شود. ولایتی باید بداند بیشتر از او در طول تاریخ كسان دیگری هم بوده اند كه چنین حرفهایی زده اند و احتمالا او از عاقبتی كه چنین افرادی بدان دچار شدند خبر دارد. مردم خشمگین به حرکت در آمده اند و همه شان را به خاطر نسل كشی ناشی از تحمیل فقر و جنایت و وقاحت علیه مردم محاكمه خواهند كرد.

سیم آخر؟

شهاب بهرامی

"الاهواز" بشمار می روند. این عملیات بدون نتیجه و فرار تروریست ها پایان یافت.

يك روز بعد از این ماجرا در عملیات جداگانه دیگری در شمال فرانسه پلیس این كشور از حمله غافلگیر كننده نیروهای خویش به مقر و مركز فرهنگی "زهره" خبر داد. بر مبنای این گزارش، مقر گروه شیعی "مركز الزهرا" مرتبط با جمهوری اسلامی است. مقامات پلیس می گویند آنها در تدارك اقدامی تروریستی بودند و عملیات ما برای پیشگیری از اقدامات

روز جمعه گذشته بیست و هشتم سپتامبر پلیس دانمارك تمامی راههای ورودی و خروجی شهر كپنهاك، پایتخت این كشور را مسدود نمود. مطبوعات و رسانه های این كشور گفته اند كه پلیس در تلاش برای دستگیری چند تروریست جنایتكار و خطرناك ایرانی بوده است. سخنگوی پلیس دانمارك در كنفرانس مطبوعاتی با تأیید این موضوع اظهار داشت كه قصد تروریست ها كشتن چند پناهنده ایرانی بوده كه از فعالان گروه

اعتصاب رانندگان کامیون یک الگو است مصاحبه با شهلا دانشفر



کردن جاده ها، نظارت و کنترل بر کارمزد دریافتی شرکت های حمل و نقل، کنترل اعلام بار در سالن های اعلام بار و جلوگیری از دزدی ها و رشوه خواریها و پایان دادن به بساط رانت خواری های آنان، ایجاد ارگانی برای نظارت بر کار مامورین و افسران جاده و پایان دادن به باجگیری های آنان، کنترل عوارض گمرکی مرزهای کشور که بخش دیگری از دزدی ها و رشوه گیری هاست، کاهش کمیسیون باربری و حذف عوارض گمرکی و کاهش نرخ عوارض اتوبانها، ایجاد تسهیلات رفاهی و بهداشتی برای رانندگان در پایانه های شهری و مرزی، در اختیار گذاشتن لاستیک و لوازم یدکی و کاهش قیمت آنها و تخصیص ارز دولتی برای تهیه این لوازم، نوسازی ناوگان باری کشور به صورتی که کرایه حمل جوابگوی حقوق راننده، بیمه ها و هزینه های سوخت ناوگان حمل و نقل و تحویل به رانندگان و کامیونداران بطور ثابت، حق داشتن تشکل و برگزیدن نمایندگان واقعی خود، گذاشتن ارگانی برای جلوگیری از باجگیری های مامورین و افسران در جاده ها، روشن شدن وضعیت بیمه رانندگان.

انترناسیونال: جایگاه و اهمیت این اعتصاب را چگونه ارزیابی می کنید؟ این اعتصاب معین چه نقش و تاثیری بر فضای جامعه داشته و تا چه حد توانسته است، همبستگی اجتماعی مردم را به خود جلب کند؟

شهلا دانشفر: اعتصاب سراسری رانندگان کامیون تا هم اکنون بیش از ۲۸۰ شهر را در بر گرفته است و این اتفاقی است که رنگ و بوی شرایط سیاسی امروز جامعه را بر خود دارد و به لحاظ سیاسی بسیار مهم و تاثیرگذار است. بنابراین اولین نکته اینست

شرکت های حمل و نقل به صورت قاچاق انجام میشود که بخش بزرگی از دزدی ها نیز در اینجا صورت میگیرد. در اینجا پای نهادهای دولتی و راهداری هم به میان میاید و با همدستی آنها شبکه حمل و نقل قاچاق بار در شهرهای مختلف به راه می افتد. به عبارت روشنتر يك بخش مهم از درآمد راهداری از همین شرکت های مافیایی حمل و نقل است. در بستر حمل و نقلی که به دلیل بار قاچاق محکومیت قضایی گرفته باشند، بسیار کم است. و این داستان مافیایی به اسم شرکتهای حمل و نقل است که مثل زالو به جان رانندگان کامیون افتاده است و تمام هست و نیست آنان را در چنگال خود گرفته است. آنچه در مافیای شرکتهای حمل و نقل میگردد، گوشه ای کوچک از کل بساط سراپا فساد دزدسالار حاکم در ایران است. موضوع اینجاست که امروز در شرایطی که اقتصاد به رکود کامل رسیده است، هزینه های مربوط به لوازم یدکی کامیون ها صعودی گران میشود و حتی بعضا نایاب است و بسیاری از این وسایل سر از بازار محنتکین در آورده است، در کنار هزینه های سرسام آور زندگی و بی تامینی مطلق مردم از حداقل های تامین اجتماعی، دیگر کارد به استخوان رانندگان کامیون رسیده است و ادامه این وضعیت برای آنان ممکن نیست. رانندگان کامیون اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستههایشان اعتصاب آنان ادامه خواهد داشت.

خواستههای هفده گانه رانندگان کامیون در اعتراض به کل وضعیت است که اشاره کردم. رؤس این خواستها عبارتند از: افزایش حقوق رانندگان به بالای خط فقر، افزایش حقوق بازنشستگی رانندگان با توجه به تورم اقتصادی و قیمت اجناس در کشور، امن

ای معهود پولهای کلان به جیب میزنند و همدست دزدان شرکت های حمل و نقل هستند و توده عظیم هزاران نفره راننده کامیون که توان پرداخت چنین کمیسیونهایی را ندارد، با هزار بدبختی بار گیرش می آید و زیر اقساط سنگین ماشینش له میشود.

رانندگان برای دریافت بار ساعتها انتظار میکشند، بدون اینکه هیچگونه امکانات رفاهی برای استراحت و رفع خستگی آنان در پایانه ها فراهم باشد و در آخر نیز با تنی خسته راهی جاده های ناامن میشوند.

اما بعد از گذشتن از این هفت خوان رستم، باجگیریهای دیگر تحت عناوینی چون عوارض گمرکی، عوارض اتوبان، عوارض گمرکی مرزی، راهداری و غیره نیز بر هزینه های راننده اضافه میشود که کمر شکن است. از سوی دیگر هزینه های بالای یدکی های کامیون، گرانی لاستیک، بخش زیادی از پولی که رانندگان کامیون دریافت میکنند را می بلعد. بطوریکه به گفته خود آنان بعضا درآمد ماهانه آنها از حداقل دستمزد تعیین شده دولت نیز کمتر است. در نتیجه يك راننده برای اینکه بتواند از پس هزینه های سرسام آور زندگی اش برآید تمام وقت خود را باید در جاده ها بگذراند. ناامنی جاده ها، غیر استاندارد بودن کامیونها بخاطر هزینه های گران لوازم یدکی و بعضا بنجل بودن این لوازم و در بسیاری اوقات کار شبانه در جاده ها، موجب تصادفات مرگبار در جاده ها گردیده و به خطری دائمی برای جان و زندگی رانندگان تبدیل شده است.

اما بد نیست اشاره ای هم به حمل و نقل بار قاچاق در جاده ها بکنم که خود فشار بر روی رانندگان کامیون را برای اینکه باری نصیبشان شود بکنم. همانطور که اشاره کردم هیچ کامیون و باری بدون وساطت يك شرکت حمل و نقل نمیتواند در جاده حرکت کند. بخشی از بارگیری ها با همدستی

سیستم مافیایی شرکت های مافیایی حمل و نقل بار هستند، بخش عظیمی از رانندگان کسانی هستند که با وام و قرض از این و آن توانسته اند کامیونی بخرند که با آن امرار معاشی کنند. بعضا چند نفر شریکی صاحب يك کامیون هستند. بویژه در شرایطی که بیکاری بیداد میکند، بسیاری از جوانانی که تحصیل دانشگاهی خود را به پایان میرسانند و کاری برایشان نیست، ناگزیر به کار رانندگی کامیون روی آورده اند. بخش بسیار بزرگی از رانندگان نیز کارگرانی هستند که حتی ماشینیی از آن خود ندارند و در ازای کارشان با حداقل دستمزد که رقمی چند برابر زیر خط فقر است، کار میکنند. آمارها از جمعیتی حدود ۶۰۰ هزار راننده حکایت میکند.

يك مشکل رانندگان کامیون کار برده وار در زیر سلطه بلا منازع شرکت های حمل و نقل است که شرکتهایی مافیایی و انحصاری هستند که مثل زالو به جان رانندگان کامیون افتاده اند و هستی و نیست آنها را می مکنند. تنها شرکت های حمل و نقل هستند که حق جابجا کردن بار بین شهرها را دارند. و فقط به باری که از طریق آنها جابجا میشود، بارنامه داده شده و آن بار بیمه میشود. بدین ترتیب يك راننده کامیون نمیتواند بدون واسطه گری این شرکت ها باری حمل و نقل کند. این موقعیت انحصاری شرکت های حمل و نقل شروع بساط دزدی و چپاول در این بخش از خدمات حمل و نقل کشوری است. به عبارت روشنتر شرکتهای حمل و نقل در پایانه ها بار را دریافت میکنند و بعد با گرفتن حق کمیسیون به رانندگانی که در پایانه منتظر بار هستند، بار را به آنها تحویل میدهند. اینجاست که دزدی و رشوه گیری بیداد میکند و این شرکت ها برای بارهای خوب که پول بیشتری از آن عاید راننده کامیون میشود، حق کمیسیون های غیر رسمی و بعضا تا ۵۰ درصد را طلب کرده و رسماً باجگیری میکنند. در نتیجه عده

انترناسیونال: اعتصاب رانندگان کامیون ابعاد گسترده تری پیدا کرده و هنوز ادامه دارد. چه شرایطی از کار و زندگی زمینه ساز این اعتراضات شده است و مشخصاً اعتراض آنان به چیست و چه خواستههایی دارند؟

شهلا دانشفر: اعتراض رانندگان کامیون به فقر است. به گرانی هاست، به رانت خواری ها و این بساط چپاول و غارت است. اعتراض آنان به زندگی زیر خط فقر و محروم بودن از هرگونه تامین اجتماعی است. و بالاخره اینکه اعتراض آنان به تبعیض و نابرابری است. در همان اولین بیانیه فراخوان به اعتصاب، هماهنگ کنندگان اعتصاب رانندگان کامیون، ضمن اعلام هفده خواست آنان، تاکید شده بود که اعتراض آنان به کل بساط ظلم و نابرابری حاکم است. و اینها همه موضوع اعتراض کل جامعه است. بر محور همین اعتراضات است که رانندگان کامیون با بنهایی که رویش نوشته شده است، درد ما درد شماست، از ما حمایت کنید، معلم، کارگر، راننده، اعتصاب، اتحاد، در واقع کل جامعه را به اعتراض علیه بساط جهنمی جمهوری اسلامی دعوت میکنند.

زمینه ساز این اعتراضات، شرایط کار و زندگی پر از مشقت رانندگان کامیون است که بطور واقعی قبل از اعتصابات قدرتمند آنان در خرداد ماه و دور دوم آن در دو هفته اخیر، تصویر روشنی از آن وجود نداشت. اما امروز وقتی از زبان خودشان مشکلات و معضلاتی که با آن روبرویند را میشنوم، می بینم که آنها نیز همچون دیگر بخش های جامعه دارند زیر بساط فقر، تبعیض، نابرابری، دزدی و چپاول و شرایط نا امن کار له میشوند. من سعی میکنم اینجا تصویری از مشکلاتی که آنان با آن روبرویند، بدهم تا تصویر روشنتری از خواستهها و اعتراضاتشان داشته باشیم.

جدا از يك لایه معدود کامیونداران بزرگ که جزیی از

آلترناتیوهای راست ...

از صفحه ۳

کشید. خیزش توده های مردم است که میتواند نظام جمهوری اسلامی را جارو کند و کنار بزند. جنگ و تحریم فقط میتواند رنج و مشقات مردم را بیشتر کند. به همین خاطر به نظر من توده مردم و افکار عمومی در ایران با جنگ مخالف است، با تحریم مخالف است و بیشتر از همه با جمهوری اسلامی مخالف است. مردم ایران میدانند هر چه بر عمر جمهوری اسلامی افزوده شود خطر جنگ بیشتر خواهد شد، تحریمها تشدید خواهد شد و گرانی و فقر و بیکاری بدتر و بدتر خواهد شد. این را مردم میدانند و بدست تشخیص داده اند که برای حل مسائلشان باید جمهوری اسلامی را بیزیر بکشند. حمله نظامی به ایران فقط به خانه خرابی بیشتر مردم منجر خواهد شد و تشدید تحریمها هم فقر و فلاکت بیشتر را بدنبال خواهد داشت. به همین خاطر امثال فرشگرد و کل نیروهای راست که روی تحریمها و جنگ حساب باز میکنند جایگاهی در میان مردم ندارند. جایگاهی در میان مبارزات و اعتراضات مردم ندارند و شاید به همین دلیل هم هست که مدام بدنبال جلب حمایت دولتهای غربی و خزین بقدرت از بالای سر مردم هستند. اینها میدانند در خود جامعه پایگاهی ندارند و نمیتوانند مثل یک نیروی اجتماعی روی مردم حساب کنند.

سجاد اکبری: در صحبتهای قبلی تان اشاره کردید به معلمان و پرستاران و کارگران. آیا فکر میکنید احزاب و تشکلهای راست توانائی تامین مطالبات کارگران و مردم زحمتکش، مطالبات معلمان و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و میلیونها جوان بیکار را دارند و یا خیر؟

حمید تقوائی: به نظر من بطور واقعی این امکان را ندارند. به نیتشان کاری ندارم. ممکن است خیلی از راستها فکر کنند میتوانند درد و مشکلات مردم را حل کنند ولی بطور عینی و واقعی این توان را ندارند. علت اساسی اش اینست

که فقر و بیکاری و گرانی ناشی از حاکمیت سرمایه در ایران است. بر فرض هم که جمهوری اسلامی برود و نیروهای راست قدرت بگیرند و در بروی سرمایه ها باز شود تازه باید کارگر ایرانی رقابت کند با کارگر بنگلادشی و هندی و چینی. برای اینکه بتواند سرمایه دار ایرانی در بازار جهانی نقشی داشته باشد و بتواند رقابت کند، برای اینکه سرمایه ها بتوانند در ایران سودآور باشند و غیره ناگزیرند تسمه از گرده کارگران بکشند. این را سلطنت طلبها چند سال پیش اعلام کردند که بعد از جمهوری اسلامی باید کارگران کمربندها را سفت کنند تا ایران آباد شود. "ایران" اسم رمزی است برای طبقه سرمایه داری که میخواهد از قیل دسترنج کارگران سودش را افزایش بدهد و با سرمایه خارجی رقابت کند. امروز سرمایه داری در سراسر جهان و بخصوص برای کشورهایی مانند ایران یک نسخه دارد و آن ریاضتکشی اقتصادی است. مطمئن باشید هر نیروئی که بخواهد سرمایه داری را در ایران حفظ کند، بر فرض هم که جامعه از شر جمهوری اسلامی خلاص شده باشد، ناگزیر است همین خط کمربندها را سفت کنید و بیشتر کار کنید و کمتر بخواهید را دنبال کند. چاره ای جز این ندارند. این منطق سودآوری سرمایه است. وقتی نیروئی از نظر اقتصادی راه حلی به نفع توده مردم نداشته باشد، از نظر سیاسی هم نمیتواند آزادی را تامین کند. چون جامعه ای که زیر فشار است اعتراض میکند. مردم بعد از جمهوری اسلامی ریاضت کشی اقتصادی را نمی پذیرند. دستمزدها باید چند ده برابر افزایش پیدا کند و نیروئی که بخواهد سرمایه را حفظ کند نمیتواند این را متحقق کند چون ضرر خواهد داد و به همین خاطر ناگزیرست بروی جامعه تیغ بکشد، در دهانها را ببندد، جلوی تشکلهای مستقل کارگری را بگیرد، جلوی اعتصابات و اعتراضات را بگیرد. سرکوب و اختناق مستلزم نظم سرمایه در ایران است. کسی که بخواهد در جامعه ایران سرمایه داری را حفظ کند و بخصوص بخواهد سرمایه

داری را "شکوفه" کند ناگزیرست جامعه را پژمرده کند، ناگزیرست اختناق را گسترش بدهد، ناگزیرست اعتراضات کارگران و مردم محروم را سرکوب کند، و ناگزیرست آنچه ما در ادبیات حزبی "کار ارزان کارگر خاموش" مینامیم را در جامعه سازمان بدهد. تامین کار ارزان مستلزم خفقان است. مستلزم اختناق است. نیروئی که نتواند از نظر اقتصادی خواستهای برحق و پایه ای مردم را متحقق کند ناگزیرست از نظر سیاسی هم دیکتاتوری باشد. دیکتاتوری شاهنشاهی بخاطر خصوصیات فردی محمد رضا شاه، و یا رضا شاه و یا شاهان قبلی نبود. آنها میخواسته اند طبقه حاکمه را در قدرت نگهدارند و منافع طبقه حاکمه را پاسداری کنند و به همین دلیل ناگزیر بوده اند منافع توده مردم، بقول جنبش اشغال منافع توده و نه درصدی ها، منافع کارگران و مردم فقر زده و محروم هم سرنوشت کارگران را زیر پا بگذارند، مردم را به انقیاد بکشند و آزادی را از آنها سلب کنند. این داستان بارها در ایران تکرار شده است. هر بار نیروهای راست و یا مذهبی و یا ملقمة ای آنها در قدرت بوده اند جز دیکتاتوری و سرکوب ارمغانی برای جامعه نداشته اند. این بار ما اجازه نخواهیم داد این سناریو تکرار شود.

سجاد اکبری: اجازه بدهید به فرشگرد و مخالفت او با کمونیسم برگردیم. این موضعگیری حاصل و نشانه چیست؟ چگونه موقعیت کمونیسم را منعکس میکند؟

حمید تقوائی: به این نکته بالاتر اشاره کردم. این نشانه قدرت چپ در جامعه ایران است. قدرت نیروها و احزاب کمونیست مثل حزب کمونیست کارگری و مهمتر و وسیع تر از آن قدرت نیروئی که آنرا چپ اجتماعی می نامیم. نیروئی که ممکن است عضو حزب ما نباشد یا تعلق سازمانی به هیچ حزبی نداشته باشد ولی از نظر آرمانها، دیدگاه و ارزشها و خواستها و مطالبات کاملاً یک نیروی چپ است. همانطور که اشاره کردم وقتی سیستم ارزشی نیروهای راست را مد نظر قرار میدهید، ارزشهای

نظیر تمامیت ارضی، پرستیدن کورش و داریوش، ضدیت با کمونیستها، کوبیدن بر طبل ایران و ایرانیکری و تقدس اختراعات ملی - میهنی و غیره و غیره، متوجه میشوید که ربطی به خواستها و آرمانهای توده مردم ندارد.

مردم خواهان رفع هر نوع تبعیض و نابرابری هستند. میخواهند فاصله عظیم بین فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی از بین برود، مردم میخواهند خودشان سرنوشتشان را بدست بگیرند و این خواستها و آرمانها تماماً بوسیله چپ نمایندگی میشود.

در پایه ای ترین سطح این وضعیت کل جامعه و این تناقض بین ارزشها و دیدگاههای راست و خواستها و گرایش جامعه به چپ هست که نیروئی نظیر فرشگرد را وادار میکند شمشیر را از رو ببندند و در برابر کمونیستها بایستند. این در عین حال نشانه بلاهت سیاسی این جریان است چون کمونیست ستیزی تنها میتواند به انزوا و طرد هر چه بیشترش در میان صفوف مردم منجر بشود. احزاب "عاقل تر" راست میدانند مقابله با کمونیسم در جامعه ای که در آن گرایش به چپ گسترده است یک نوع خودکشی سیاسی است و بهمین خاطر بسیار محتاط تر به احزاب و نیروهای چپ برخورد میکنند.

سجاد اکبری: به نظر شما کمونیسم از نظر آلترناتیو شدن در چه موقعیستی قرار دارد؟ حزب کمونیست کارگری ایران چه استراتژی و برنامه ای را به جامعه ایران در این رابطه ارائه میکند؟ حمید تقوائی: اجازه بدهید از خود حزب شروع کنم. حزب ما سیاست روشن و اعلام شده ای دارد. ما خواهان سرنگون کردن جمهوری اسلامی به نیروی انقلاب مردم هستیم. و معنی واقعی سرنگونی جمهوری اسلامی را نیز به روشنی در اسنادی نظیر "منشور انقلاب و رهائی جامعه" و بیانیه ای تحت عنوان "ده امر فوری انقلاب" تعریف و اعلام کرده ایم. سرنگونی باید در اذهان توده مردم مضمون و معنی مشخص، رادیکال و جامعی داشته باشد تا واقعاً به آزادی و رهائی جامعه منجر بشود و مردم به

خواستهای انسانی شان برسند. یعنی به آزادی، به رفاه و به برابری. برای رسیدن به این هدف مردم باید تیشبه به ریشه همه مصائب و تبعیضات و محرومیتها بزنند. باید جمهوری اسلامی را با کل نظامی که نمایندگی میکند، با نظامی که مستلزم فقر و سرکوب و نابرابری است، درهم بکوبند. نظام اسلامی سرمایه باید ریشه کن بشود و جای خود را به نظامی بدهد که در آن از تبعیض اثری نباشد، از بردگی مزدی اثری نباشد، از فقر و محرومیت و نابرابری اثری نباشد، از سرکوب و از محلولیت تشکل و تحزب و اعتراض و بیان و عقیده اثری نباشد، از تحت فشار قرار دادن افراد به جرم عدم اعتقاد به مقدسات ملی و مذهبی و مخالفت با خدا و شاه و میهن و تمامیت ارضی و مرز پرگهر و غیره اثری نباشد. اینها را باید کنار زد. حزب ما این خط و گرایش را نمایندگی میکند. حزب ما آزادی و برابری و رفاه برای عموم مردم را نمایندگی میکند نه تنها به اعتبار سیاستها و برنامه اعلام شده اش بلکه به اعتبار تمامی عملکرد و پراتیک انقلابی اش در عرصه های مختلف. حزب ما تلاش کرده است در عرصه های مختلف مردم را حول خواستهای اساسی که اشاره کردم سازمان بدهد و جامعه را بسیج کند و متشکل کند و به حرکت درآورد.

همانطور که اشاره کردم در مرکز فعالیتها یهای ما انقلاب قرار دارد. ما همیشه، زمانی که خیلی از انقلاب پناهان امروزی انقلاب را شورش بی سروپاها میدانستند و به سناریوهای رژیم چنچی دخیل بسته بودند- سیاستی که امروز هم دنبال میکنند اما آنرا زیر پوشش دفاع از مبارزات مردم پنهان کرده اند- از انقلاب به عنوان تنها راه رهائی جامعه دفاع کرده ایم. دفاع از انقلاب و سازماندهی و تقویت آن، انقلاب نه تنها در شکل و شیوه مبارزه، بلکه در محتوی و از نظر عمق و گستردگی و مضمون خواستها و اهداف، همیشه در محور سیاستها و در محور استراتژی ما قرار داشته است. برای

اعتصاب رانندگان کامیون یک الگو است

از صفحه ۵

محکم مردم به سرکوبگری های حکومت و به میدان آمدن هر روز سازمانیافته تر و قدرتمند تر آنان برای پایان دادن به کل این بساط بردگی و توحش است.

جنبه مهم دیگر اعتصاب رانندگان کامیون ابعاد گسترده و اجتماعی آنست. اتحاد و همبستگی آنان در این اعتراضات بر سر خواسته‌هایشان، ایستادگی و هوشیاری آنها در مقابل انواع و اقسام ترفندهای حکومت برای شکستن اعتصابشان، اشکال مدرن و سازمانیافته این اعتصاب، رابطه فعال رانندگان کامیون با جامعه و فراخوان های آنان به بخش های مختلف مردم برای پیوستن به این اعتصاب، بیش از هر چیز عظمت و قدرت این اعتصاب را جلوی چشم همگان قرار داده است. رانندگان کامیون با به کارگیری اشکال متنوعی از اعتراض از جمله با پارک کردن کامیونهایشان در کنار جاده ها و برپایی تجمعات اعتراضی، با رژه قدرتمندشان در صفی طولانی در شهرها و در جاده ها و با بوق زدن و اعلام ادامه اعتصابشان به مردم و با نصب بنرهایی که مردم را به حمایت دعوت میکند، شیوه های مدرنی از مبارزه را به جلو آورده اند که شورانگیز و آموختنی است.

اعتصاب رانندگان کامیون در روند رو به جلوی خود توانسته است توجه مردم را وسیعاً به خود جلب کند. همه جا بحث بر سر این اعتصاب است و مردم در گفته هایشان نه تنها اعتصاب رانندگان کامیون را بر حق میدانند، بلکه خود نیز که با معضلاتی از همین دست روبرویند، امروز حرفشان اینست که راهکار ما نیز مثل رانندگان کامیون اتحاد و اعتصابات سراسری است. به این اعتبار اعتصاب رانندگان کامیون، گفتمان اعتصاب سراسری را به عنوان یک راهکار مهم برای به میدان آمدن کل جامعه و پایان دادن به این بساط فقر و بردگی به جلو آورده است. این نیز وجه مهم دیگری از تاثیرگذاری اعتصاب رانندگان کامیون بر روی مبارزات کل جامعه است.

در عین حال اعتصاب رانندگان کامیون یک نمونه شورانگیز از اعتصابات سراسری است که درسهای آموزنده بسیاری برای کارگران و همه مردم دارد. در این اعتصاب نقش مدیای اجتماعی و گروههای تلگرامی رانندگان شگفت انگیز است. این گروهها همچون دفاتر جاری اعتصاب در شهرهای مختلف و در سطح سراسری دارند عمل میکنند. در این گروهها هزاران راننده کامیون جمعند و در آن به روی بخش های دیگر جامعه باز است تا از نزدیک در جریان روند اعتراضات و مسایل و خواستههای آنان قرار گیرند. در این گروهها رانندگان در تماس لحظه ای با هم قرار دارند. از این طریق بر روی خواستها و موضوعات اعتراضشان هم نظری میکنند. هر جا که تردید و نگرانی ای وجود دارد، با بحث و گفتگو و هم نظری به آن پاسخ میدهد. به سراغ همکاری که مشکل دارند میروند و آنها را به پیوستن به اعتصاب تشویق میکنند، نسبت به ترفندهای رژیم هشدار داده و برای مقابله با آنها آمادگی لازم را به وجود می آورند، هر جا که خطری بر سر راه اعتصابشان ایجاد میشود، فوراً بسیج نیرو میکنند و خطر را دفع میکنند، با مصاحبه ها و سخنان پرشورشان کل جامعه را از علت بر پا شدن اعتصابشان مطلع میکنند و با اعلام اینکه درد همه ما مشترک است، عملاً نقش مهمی در تقویت صف اعتراض علیه گرانیهها و وضعیت فلاکت معیشتی دارند. اشکال مبارزاتی رانندگان در این مدت جنبه دیگری از قدرتمندی آنها در این اعتصاب است که میتواند به بخش های دیگر جامعه نیز تسری پیدا کند.

جنبه مهم دیگر اعتصاب رانندگان کامیون جلب حمایت وسیع جامعه است. از جمله ۵ شکل و جمع کارگری سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، جمعی از فعالان صنفی معلمان ایران و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری طی بیانیه ای در دهم مهر ماه ضمن حمایت از

اعتصاب و خواستههای رانندگان کامیون، خواستار آزادی رانندگان بازداشتی شده اند. انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نیز طی بیانیه ای از مبارزات و خواستههای این کارگران حمایت کرده است. همچنین بیانیه هایی از سوی جمع هایی از معلمان، کارگران، بازاریان، خانواده های زندانیان سیاسی، ورزشکاران، گروههای مبارزاتی مختلف در تلگرام در همبستگی با مبارزات رانندگان کامیون انتشار یافته است. در همین راستا طوماری در حمایت از آنان منتشر شده است که تاکنون نزدیک به ده هزار نفر آثرا امضا کرده اند. طوفان تویتری در حمایت از این مبارزات به راه افتاده است و در سطح جانی نیز اتحادیه بین المللی ترانسپورت (آی تی اف با ۲۰ میلیون عضو، اتحادیه رانندگان جاده ای آمریکا (تیمسترز)، اتحادیه بین المللی کامیونداران آمریکا و کانادا، کارگران حمل و نقل در هلند با بیانیه هایشان و با حرکتیهای نمادینی چون رژه رفتن در خیابان با اعتصاب رانندگان کامیون اعلام حمایت کرده اند. اینها همه ابعاد مهم دیگری از اعتصاب رانندگان کامیون است که بدون شک تاثیر خود را بر مبارزات بخش های دیگر مردم میگذارد.

و بالاخره اینکه خطری که اعتصاب رانندگان کامیون را تهدید میکند، معضل مالی بخشی از این رانندگان برای ادامه این اعتصاب است. در این رابطه نیز رانندگان کامیون هوشیارانه عمل کرده و طی اقدامی ستودنی برای کمک به همکاری که برای تامین هزینه های زندگی شان با مشکل روبرو هستند، همکاری شان در شهرهای مختلف را به تشکیل صندوق اعتصاب فراخوانده اند. تشکیل صندوق های اعتصاب، یک سنت قدیمی، جا افتاده و بین المللی کارگری است که تشکیل آن امروز در دستور رانندگان کامیون قرار گرفته است. اعلام تشکیل این صندوق ها نشانگر عزم راسخ رانندگان کامیون برای ادامه اعتصابشان است. این اقدام مهم رانندگان کامیون یک دستاورد دیگر مبارزات آنان برای ادامه قدرتمند اعتصابشان و برای کل جامعه

است. تشکیل صندوق های اعتصاب در کنار شورای هماهنگی اعتصابات همچنین گام مهمی در جهت سازمانیابی اعتراضات کارگری است. حمایت از صندوق های اعتصاب رانندگان کامیون و کمک به آنها یک شکل عملی همبستگی با مبارزات آنهاست. انتظار می رود همه بخش های جامعه از این صندوق ها حمایت کنند. و من بعنوان کمپین برای آزادی کارگران زندان اعلام میکنم که به سهم خود در سطح جهانی تلاش خواهیم کرد که بیشترین حمایت های بین المللی کارگری را از این صندوق ها کسب کنیم.

اعتصاب رانندگان کامیون نمونه شورانگیزی از اعتصابات سراسری است که در حرکتی متحد و قدرتمند به جلو می رود و حول خود جبهه وسیعی از همبستگی مبارزاتی را در جامعه شکل داده است.

خلاصه کلام اینکه ما امروز شاهد یک اعتصاب مدرن، سازمانیافته و پیشتاز از سوی رانندگان کامیون هستیم که که دارد کل جامعه را با خود به جلو می آورد و این بیانگر قدرت این اعتصاب و نقش و تاثیر آن بر روی مبارزات کارگران و همه مردم است.

انترناسیونال: بنا بر گزارشات رسمی ۱۵۰ نفر از رانندگان کامیون بازداشت شده اند، دلیل این بازداشت های گسترده تر را چه می دانید؟ آیا این بازداشت ها تا بحال تاثیری در این اعتصاب داشته است؟

شهبلا دانشفر: روند رو به جلو و قدرتمند اعتصاب رانندگان کامیون ناکارایی ابزار سرکوب را در برابر جامعه ای که عزم جزم کرده و می خواهد خود را از شر این اوضاع جهمی خلاص کند به روشنی نشان میدهد. همانطور که اعتصاب عمومی مردم کردستان و اعتراضات گسترده علیه اعدام سه فعال سیاسی رامین حسین پناهی، لقمان و زانیار مرادی را داد. همانطور که میدانید طی اعتصاب دو هفته ای رانندگان کامیون، برخورد های پلیسی، امنیتی، قضایی با آنان شدت گرفته است.

صفحه ۲

آلترناتیوهای راست ...

از صفحه ۶

نیروهای راست قضیه برعکس است. هراس از انقلاب، تخطئه و مقابله با آن، و وقتی مانند امروز بمیدان آمد، تلاش برای تحریف و مسخ و قیچی کردن آن و برای مصون داشتن ارکان نظام موجود از گزند شورش بی سرو پاها" اساس و مبنای استراتژی نیروهای راست است. هدف آنها اتکا به بالا و خزیدن بقدرت از بالای سر مردم است. به نظر من جامعه امروز نشان داده است که استراتژی حزب ما، استراتژی چپ، وسیعا مطلوبیت دارد و مردم به آن روی آورده اند. ما تلاش میکنیم جنبش انقلابی حاضر زیر پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی و رفاهی که حزب ما نمایندگی میکند متشکل بشود و منسجم بشود و حکومت را بزیور بکشد. و این تلاشی است که همانطور که اشاره کردم چپ اجتماعی هم با آن همراه است. بخش وسیعی از فعالین و

اکتیویستها در جنبش کارگری و در جنبش های اعتراضی و حق طلبانه هم خط و هم آرزو و همجهت با این سیاست هستند.

سجاد اکبری: نقش فعالین چپ و فعالین جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه در قبال آلترناتیوسازی های راست چه باید باشد؟

حمید تقوائی: پاسخ ما به آلترناتیوسازی راست اساسا طرح و تقویت و سازمان دادن آلترناتیو چپ است. چپ آلترناتیو روشنی دارد. آلترناتیو ما فقط مبتنی بر نقد جمهوری اسلامی نیست بلکه کل نظام موجود را نقد و نفی میکند. مبتنی بر نقد عمیق سیستم سرمایه داری است که امروز جمهوری اسلامی حافظ و نماینده آنست. آلترناتیو چپ مبتنی بر نقد و اعتراض عمیق و ریشه ای به کلیت نظام جمهوری اسلامی و نشان دادن رابطه مستقیم سیاستهای ضد انسانی آن با ضروریات حفظ و پاسداری از منافع سرمایه داران در ایران است. جمهوری اسلامی حافظ

منافع يك درصديهای سرمایه دار در برابر نود و نه در صد مردم ایران است و کلیه قوانین و سیاستها و احکام و عملکرد و حتی فرهنگ و مقدسات اسلامی که برجامعه حاکم کرده است از این ضرورت نشات میگیرد. فعالین چپ باید در عرصه های مختلف مبارزه این نقد عمیق طبقاتی از جمهوری اسلامی را نمایندگی کنند. فقر، نابرابری، بیحقوقی، زن ستیزی و کلا وضعیت نابسامان جامعه که جمهوری اسلامی عامل و پاسدار آنست باید ریشه کن بشود. باید تیشه را به ریشه زد و ما و هر فعال کمونیست و چپی می بایست این نقد ریشه ای را نمایندگی کنیم. آلترناتیو راست را اساسا میتوان با تعمیق نقد نظام حاضر و تعمیق نه مردم به کل این نظام رسوا و بی اعتبار کرد.

اجازه بدهید در آخر به عنوان یک نمونه به نقد کمونیستی دولت اشاره کنم. امروز گفتمان شوراها و در جنبش کارگری وسیعا مطرح شده است و چهره ها و فعالین جنبش کارگری از این صحبت

میکند که شوراها باید کنترل امور را در دست بگیرند. این يك خصوصیت برجسته نقد و آلترناتیو چپ در قبال نظم موجود است. شورا یعنی نفی قدرت و حاکمیت بالای سر مردم. حال این دولت هر اسمی داشته باشد، جمهوری اسلامی، نظام سلطنتی، جمهوری سکولاریستی و یا هر اسم دیگری. مردم در برابر همه این نوع حکومتها با تشکیل شوراها اعلام میکنند که خود ما باید قدرت را در دست بگیریم. همانطور که کارگران هفت تپه اعلام کردند که با شورا نیشکر هفت تپه را در دست میگیریم و اداره میکنیم. شورا سنگ بنای نفی حکومت مافوق مردم است همانطور که جنبش اشغال اعلام کرد. از این نظر انقلاب ایران با جنبش اشغال فصل مشترک دارد.

به نظر من نفی قدرت مافوق مردم در آلترناتیو چپ يك امر کلیدی و تعیین کننده است. ما وقتی از سرنگونی صحبت میکنیم منظورمان فقط سرنگونی جمهوری

اسلامی نیست. این البته اولین قدم و بسیار مهم و تعیین کننده است ولی نباید به این اکتفا کرد. ما نه تنها جمهوری اسلامی را بزیور میکشیم بلکه اجازه نمیدهم دوباره يك هرم قدرت مافوق و بالای سر مردم، این بار تحت نام ایرانیت و آب و خاک و کورش و داریوش، شکل بگیرد. دولت مافوق مردم متناظر با تحمیل ریاضتکشی اقتصادی و سازماندهی کار ارزان و کارگر خاموش است - که همانطور که توضیح دادم مستلزم سودآوری سرمایه ها در ایران است- و دولت شورائی متناظر است با تامین رفاه و آزادی کل جامعه.

آلترناتیو حکومتی ما از نظر محتوی سوسیالیستی و از نظر شکل شورائی است یعنی مبتنی است بر اعمال اراده و حکومت مستقیم توده مردم که در شوراها و یا تشکلهای نوع شورائی متشکل شده اند. حکومت شورائی يك محور مهم نقد و تمایز عمیق ما از کلیه آلترناتیوهای راست در جامعه است.

اعتصاب رانندگان کامیون یک الگو است

از صفحه ۷

مقامات دستگاه قضایی و دیگر مسئولان حکومتی با انواع ترسند ها و با تهدید و دستگیری سعی کرده اند، این اعتصاب را در هم بشکنند. اما موفق نشده اند. این جانینان رانندگان اعتصابی را بنا بر مصادیق قانون ارتجاعی مجازات های اسلامی و با اتهاماتی چون اخلال در نظم و امنیت اجتماعی، قطع الطریق و خزعبلاتی از این دست به احکام سنگین زندان تهدید کرده اند، اما اعتصاب رانندگان کامیون با قدرت ادامه یافته و هر روز بر لیست شهرهایی که در آن رانندگان در اعتصابند، اضافه میشود. در برابر این دستگیریها

گفتمانهای رانندگان در گروههای تلگرامی شان و در تجمعات اعتراضی شان اینست که با ادامه قدرتمند اعتصابان همکارانمان را آزاد خواهیم کرد. میگویند ما ۶۰۰ هزار راننده هستیم، همه را نمیتوانید بازداشت کنید. و وقتی رژیم میکوشد مردم را در برابر آنان قرار دهد، با گفتن اینکه ما هم

مردمیم و مشکل ما مردم حمل نشدن بار نیست، بلکه مشکل ما مردم گرانی اولیه ترین نیازهای زندگیمان است، علیه سمپاشی های تبلیغاتی رژیم ایستاده اند. اینچنین است که اعتصاب رانندگان کامیون متحد و سراسری به جلو میرود.

نکته مهم دیگر تاکید بر آزادی فوری و بدون قید و شرط رانندگان بازداشتی است. با مبارزه ای قاطع علیه این دستگیریها و جلب همبستگی جامعه و نهادهای کارگری در سطح جهان در دفاع از این مبارزات و خواستهای رانندگان، باید ابزار سرکوب را از دست حکومت گرفت و کاری کرد

که تمامی بازداشت شدگان فوراً آزاد شوند. این يك قدم تعیین کننده در پیشروی این مبارزات است که تاثیر خود را بر مبارزات کل مردم خواهد گذاشت. و فراخوان من به همه کارگران، معلمان، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه اینست که به کارزار برای آزادی رانندگان اعتصابی بپیوندند.

يك وجه مهم اعتصاب رانندگان کامیون، سازمانیافتگی این اعتراضات است. در دور اول اعتصاب رانندگان کامیون ما شاهد سر بلند کردن شورای هماهنگی اعتصاب آنان بودیم، حفظ و تحکیم این دستاورد نقش مهمی در حرکت سازمانیافته این اعتراضات به جلو و برای ادامه اعتراضات رانندگان کامیون در آینده خواهد داشت. اعتصاب رانندگان کامیون، گفتمان اعتصاب سراسری در جامعه را گامی جلوتر آورد، شورای هماهنگی اعتصاب و تحکیم آن، وجه مکمل برای جلو بردن اعتصابات سراسری در کل جامعه است. رانندگان کامیون خواستهای خود را در هفده بند اعلام کرده اند.

بیان متعین تر این خواستها نقش مهمی در متحد کردن صف اعتراض آنان و جلب همبستگی بیشتر جامعه را دارد. همانطور که اشاره کردم اعتراض رانندگان کامیون به فقر، به گرانی، به تعیض و نابرابری و به بساط دزدی و چپاول حاکم است. رانندگان کامیون به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اعتراض دارند. اینها همه موضوعات اعتراض کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های دیگر جامعه است. خواست افزایش حقوق ها به بالای خط فقر اکنون يك خواست اجتماعی وسیع در میان همه این بخش هاست. از جمله بطور مشخص شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان خواستار افزایش حقوقها به بالای ۶ میلیون تومان شده است. این خواستی است که بارها در اعتراضات معلمان، بازنشستگان با شعار خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما يك میلیون و علیه حقوقهای نجومی اعلام شده است. اعلام این خواست بطور واقعی بیان قاطع اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر است. مهم است که این خواست با

همین صراحت در لیست خواستهای رانندگان کامیون بدرخشد. علاوه بر این خواستهای سراسری دیگری چون تحصیل رایگان، درمان رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن، هر روز بیشتر به شعارهای اعتراضی بخش های مختلف جامعه تبدیل میشود. امروز رانندگان کامیون در موقعیت قدرتمندی قرار دارند که قویا این خواستها را به جلو بیاورند و در لیست خواستهایشان بگذارند. يك نمونه آن خواست تحصیل رایگان است. روشن شدن صرف وضع بیمه هنوز جوابی به محرومیت رانندگان کامیون از حق درمان و بهداشت رایگان نیست. باید این خواست را با خواست مشخص درمان و بهداشت رایگان برای همه اعلام داشت.

اعلام شفاف این خواستها يك حلقه مهم برای متصل کردن مبارزات رانندگان کامیون با دیگر بخش های جامعه و جلب بیشترین حمایت ها و پشتیبانی هاست. تمامی رانندگان اعتصابی بازداشت شده باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

درباره کمپین سنگهای سکندری مصاحبه با مینا احدی



پلاتفرم حرف بزنند. ما همانگونه که گفتیم از همه دعوت میکنیم با ارسال ویدئو کوتاهی در مورد دوست و یا آشنا و یا همشهری خودشان که بدست داعش حاکم بر ایران به قتل رسیده اند برای ما اطلاعات بفرستند. اگر بتوانیم اینرا به یک جنبش و حرکت همگانی تبدیل کنیم کار ما بسیار موفق بوده است. تاکنون فیلمهایی از این نوع بدستمان رسیده که باید آنرا بسیار بیش از اینها گسترش دهیم.

کار دیگر ما نصب سنگ در کشورهای مختلف اروپایی در مورد کسانی است که در خارج کشور ترور شده اند. در ادامه شاید بتوانیم کنفرانسهایی در مورد این عزیزان و زندگی آنها سازمان دهیم.

انترناسیونال: برای کسانی که حرفهای شما را میشنوند و یا این مصاحبه را میشنوند، چه پیامی دارید؟

مینا احدی: پیام من در وهله اول به خانواده های جانباختگان هولوکاست اسلامی و قربانیان حکومت اسلامی است. اگر میخواهید یاد و نام عزیزان شما در تاریخ مبارزات مردم ایران ثبت و حک شود سعی کنید به این کمپین بپیوندید و کمک کنید تا ما این برنامه ها را به پیش ببریم. کمپین را به دیگران معرفی کنید و آستین بالا بزنید و فیلم و عکس تهیه کرده و برای ما ارسال کنید. ما موظفیم نگذاریم جامعه و آیندگان کسانی را که در دفاع از حقوق و حرمت انسانی کشته شده اند و یا کسانی که بدلیل سیستم قضایی انسانکش اسلامی قربانی شده اند، فراموش کند. در عین حال برای درس آموزی آیندگان ما به این نوع کمپین ها احتیاج داریم.

کمپین میتواند امکانی باشد برای همه در مورد عزیزان خود صحبت کرده و با بقیه در این گرامیداشت بزرگ همگانی سهیم و شریک شوند.

انترناسیونال: مراسم شهر بن چگونه برگزار شد؟

مینا احدی: در مراسم شهر بن در ابتدا من کمپین را معرفی کردم و از اینکه در ایران علاوه بر جنبش دادخواهی که خوشبختانه بسیار جلو آمده است، باید بگویم جنبشی علیه فراموشی به راه بیاندازیم حرف زدیم و سپس فریدون فرخزاد را آنگونه که می شناختم به جمع معرفی کردم و در پایان از همگان دعوت کردم به این کمپین کمک کنند. سپس شعله پاکروان مادر ریحانه جباری، در مورد ریحانه و اعدام شدگان دیگر به دست حکومت اسلامی صحبت کرد و از این کمپین دفاع و حمایت کرد. در پایان سخنرانی خود شعله پاکروان لباسهایی ورزشی ریحانه در زندان را به کمیته علیه اعدام تقدیم کرد و از خانواده ها خواست که یک یادگاری از عزیزان اعدام شده خود را به کمیته علیه اعدام بدهند تا همه این اسناد و مدارک با ارزش در جایی نگهداری شود و سپس به موزه ای سپرده شود برای همین هدف مقابله با فراموشی.

انترناسیونال: این کمپین برای آینده چه برنامه هایی دارد؟ آیا این کمپین فقط به نصب این سنگ ها محدود می ماند؟

مینا احدی: این کمپین میخواهد در یک سایت و در جایی اسناد و عکس و اسامی قربانیان حکومت اسلامی را جمع کند. این کمپین فقط محدود به اعدام شدگان و یا کشته شدگان سیاسی نیست. قربانیان حکومت اسلامی را مد نظر دارد و بنابراین امکانی است تا همه خانواده ها در مورد عزیزان خود در این

اطلاعاتی درست میکنیم که در عین حال میتواند نشان دهد که حکومت اسلامی در هر کوچه و کوی و برزنی انسان کشته و باید همه اینها در خاطره عمومی جامعه باقی بمانند.

در هر حال اولین سنگ سکندری که نصب کردیم در شهر بن و بر مزار فریدون فرخزاد شومن و شاعر و هنرمند سنت شکن و منتقد حکومت اسلامی و اسلام بود.

انترناسیونال: استقبال از این کمپین به چه میزان بوده است؟

مینا احدی: این کمپین در آغاز راه خود است. اما تا هم اکنون از این ایده استقبال زیادی شده و از نصب اولین سنگ بر مزار فرخزاد هم استقبال زیادی شد و بسیاری با ما تماس گرفته و از این ایده کمپین سنگهای سکندری کلا استقبال کرده اند. نکته مهم اینست که بسیاری از خانواده های قربانیان مثلا دهه شصت، حتی امکان گرفتن مراسم را نداشته و در مورد عزیزان خود مجبور به سکوت شده اند. این

اسم کمپین سنگهای سکندری که هدفش اینست که قربانیان هولوکاست اسلامی در ایران به فراموشی سپرده نشوند. هدف اینست که بعد از سرنگونی حکومت اسلامی در مقابل در همه منازلی که یکی از اعدام شدگان و یا قربانیان حکومت اسلامی در آنجا زندگی میکرده اسم و تاریخ تولد و تاریخ اعدام یا کشته شدن فرد ذکر شود.

تا قبل از آن دو کار را میخواهیم پیش ببریم، یکی تا جایی که امکانش هست برای قربانیان ترورهای حکومت اسلامی در خارج کشور مراسم گرفته و سنگها را برای این افراد نصب کنیم و دوم اینکه از خانواده ها در ایران خواسته ایم که در مقابل در منزل خود ایستاده و با ارسال یک ویدئو کوتاه بگویند که در این خانه مثلا برادر و یا دختر و یا همسر من زندگی میکرده و عکس او را نشان دهند و اسم و فامیلش را بگویند و این ویدئوها را برای ما بفرستند. از این طریق یک بانک

انترناسیونال: روز شنبه ۲۹ سپتامبر در شهر بن آلمان مراسمی به نام کمپین سنگهای سکندری به یادبود ترور فریدون فرخزاد بدست جمهوری اسلامی برگزار شد. اهداف این کمپین و دلیل برگزاری چیست؟

مینا احدی: کمپین سنگهای سکندری منبعث از یک سنت در کشور آلمان است. اگر شما در آلمان در خیابانها دقت کنید در مقابل در برخی منازل سنگهایی کوچک نصب شده است که اسم قربانی ای که در دوره نازیها به قتل رسیده در آنجا نوشته شده است. به این سنگها به زبان آلمان شتولپر شتاین یا سنگ سکندری میگویند. مبتکر این طرح آقای گوتتر دمیگ است که ساکن شهر کلن در آلمان است. ایشان در توضیح این کمپین گفت که قربانیان نازیها را نباید فراموش کرد و افراد وقتی فراموش میشوند که نامشان از خاطره ها ببرد.

من با عطف توجه به این موضوع کمپینی اعلام کردم به





وقتی اسلام و سرمایه در هم ادغام میشوند

از صفحه ۶

وزارت بهداشت نسبت به این موضوع کمکی نمیکنند، این بیماری را برسمیت نمی شناسد و اجازه واردات دارو برای این بیماری را نمیدهد.

و سید حسن هاشمی وزیر بهداشت حکومت اوپاش اسلامی پاسخ میدهد: "خیلی خوب، حالا مردم ایران اجازه میدهند که برای افزایش دو سال، سه سال عمر، خلاصه ما بریم هر سال یک میلیارد تومان هزینه کنیم. اگر این اجازه را میدهند معنی اش این است که از یک جایی دیگری بزنیم. ما از این بیماری ها متعدد داریم. هزینه های فوق العاده زیاد در عین حال طول عمر پایین... بعضی از این بیماریها طول عمرشان محدود است... من الان موندم برم شیر خشک را تامین کنم، واکسن را تامین کنم، یا داروی کسی را تامین کنم که حیانتش بسته به این است در طول عمرش این دارو را داشته باشد؟" و این وزیر بهداشت حکومت اسلامی است!

شاید، شاید اگر این سخنان را شکنجه گران و تیر خلاص زندهای رژیم در مقابل زندانیان به خاک و خون کشیده شده مطرح میکرد، کمتر حس تنفر و انزجار تک تک سلولهای وجود انسان را پر میکرد. اما نه! این آقا از قرار وزیر "بهداشت" است. ظاهرا دژخیم و شلاق به دست نیست. شاید هم در تعریف شغلی اش نوشته باشند که باید برای بهبود بهداشت و طول عمر شهروندان جامعه تلاش کند. شاید!

و این پاسخ حکومت اسلامی

به مردمی است که عزیزترین عزیزانشان به بیماری مهلکی مبتلا هستند که حداقل درمانی، حتی اگر کوتاه مدت، برای آن وجود دارد. این مردم میدانند دارویی وجود دارد که میتوانند حداقل برای دو تا سه سال هر روز عزیزشان را در آغوش بگیرند. بوسه باران کنند. و بگویند که چقدر برایشان عزیزند. اما نه! نمیتوانند. این انسانها از قرار نمیتوانند حتی آرزو کنند که سالگرد تولد فرزندشان را یک یا دو یا سه بار دیگر جشن بگیرند. چرا که در این سرزمین لعنتی و اسلام زده حکومتی حاکم است که حتی این امکان و احتمال را از آنها دریغ میکند و وزیر "بهداشت" اش با بی شرمی تمام میگویند، چرا باید "هر سال یک میلیارد تومان هزینه کنیم"؟ (یک میلیارد تومان با احتساب هر دلار ۱۵-۱۴ هزار تومان، تقریبا معادل ۷۰ هزار دلار در سال و ۲۰۰ دلار در روز میشود)

به چند نکته این مردک جنایتکار باید پاسخی صریح داد. میگویم مردک جنایتکار، چرا که این فرد مستقیما مسئول مرگ زود رس انسانهای عزیزی است که به بیماری ای مبتلا هستند که در حال حاضر حداقل درمان موقت آن موجود است.

"باید از جای دیگری بزنیم"

این مردک تلاش میکند وانمود کند که اگر اجازه واردات به چنین داروهای بدهند باید از جای دیگری "بزنند. شیر خشک و واکسن را مثال میزنند. اما چه کسی است که در پاسخ این استدلال مزورانه نکوید که نه لازم نیست از شیر خشک و واکسن

بزنید. مگر در ایران نکبت زده بهداشت و درمان رایگان است. مگر پول این داروها را از بیماران بخت برگشته دولا و سه لا و با سود فراوان نمیگیرید؟ مگر این داروها را، این عزیزان بخت برگشته، نباید در ناصر خسرو و بازار سیاه جستجو کنند؟ قانون ظروف مرتبه کمکی به این اوپاش اسلامی نمیکند.

ثانیا حتی اگر این داروها را "مجانا" در اختیار جامعه قرار میدادند، باز هم کسی از این جنایتکاران نمی پذیرفت که از "شیرخشک و واکسن" مردم بزنند. همان مردمی که در خیابانها مشتهای گره کرده شان را جامعه بشری دیده است، همان مردمی که فریادهای مگر بر این حکومتشان را همگان شنیده اند، فریاد خواهند زد که از بودجه سپاه آدمکشگان بزنید. از بودجه دستجات بسیجی و گله آخوندهای مفت خور بزنید. از بودجه تقویت تروریسم اسلامی در ایران و منطقه بزنید. کمتر دزدی کنید. کمتر چپاول کنید. و به قول بسیاری از همین مردم معترض "اگر یک دزدی کم بشه، مشکل ما حل میشه!"

ثالثا مگر این اوپاش شیر خشک و واکسن و پوشک را به اندازه کافی و با ارائه سوسید در اختیار جامعه قرار داده اند که کسی این ادعا را از این جنایتکاران بپذیرند. مگر جوك "موشک و پوشک" را نشینده اند؟ رابعا مگر امکانات و ارز و تمامی ثروت جامعه ارث پدری این اوپاش است؟ مگر این ثروت را با کار و تلاش شبانه روزی خود بدست آورده اند؟

اسلام، سرمایه، ارزش انسان؟

گفته های وزیر بهداشت حکومت اسلامی دریچه ای است به نگرش ضد انسانی نهفته در اسلام و سرمایه. در این جامعه سرمایه داری اسلام زده، همانطور که نیروی کار به کالایی قابل فروش تبدیل شده است، و زمانی به فروش میرسد که مصرفش منجر به تولید سود و ارزش اضافه برای صاحبان سرمایه شود، در غیر این صورت بیکاری

و پرتاب شدن به گوشه و کنار جامعه سرنوشت محتمل شان است. همانطور هم جان انسانی که سود و ارزشی نمیتواند برای صاحبان وسایل تولید و سرمایه ایجاد کند، چندان ارزشی ندارد. این نگرش سرمایه است. این نگرش اسلام است. و اگر در برخی از همین جوامع کم و بیش بیمه درمانی حداقلی موجود است، اگر کماکان بیمه بازنشستگی ناچیزی موجود است، اگر هنوز سالمندان را تماما به گوشه خیابانها پرتاب نمیکنند، این وضعیت نه حاصل "دلسوزی" و "شفقت" سرمایه و یا اسلام، بلکه حاصل تلاش و مبارزات آزادیخواهان و انسانگرایان و سوسیالیستی در این جوامع است. شرایطی که به حکومتهای طبقاتی در این جوامع تحمیل شده است.

به این شرایط ضد انسانی باید

سیم آخر؟

از صفحه ۶

تروریستی این گروه انجام گرفت. در این عملیات یازده تن از اعضای این گروه دستگیر شدند. همزمان سخنگوی دولت فرانسه ابراز داشت که دارایی های بخشی از سپاه و "معاونت امنیت داخلی وزارت اطلاعات ایران" و دو شهروند ایرانی در رابطه با طرح حمله عوامل سپاه و وزارت اطلاعات رژیم برای حمله به گردهمایی مجاهدین در پاریس مسدود شده است. یکی از دستگیر شدگان، اسدالله اسدی یکی از دیپلمات های ایرانی است که ماه گذشته در آلمان دستگیر شده بود و روز دوشنبه حکم استرداد وی به بلژیک از طرف دادگاهی در آلمان صادر گردید.

جمهوری اسلامی حکومت جنایت و تروریسم است. حرکت جامعه از دی ماه ۹۶ و آغاز خیزش و اعتصابات سراسری، وجه دیگری از سیمای انقلاب جاری با شعارها و خواسته های رادیکال و عمیقا انسانی را به نمایش گذاشت و نشان داد که رژیم اسلامی دیگر راه پس و پیش ندارد. تیغ سرکوبش دیگر کار

پایان داد. محروم کردن بیماران از امکان درمان یک جنایت علیه بشریت است. بیماران باید از تمامی امکانات موجود در جامعه بشری در برخوردار باشند. بهداشت و درمان رایگان حق هر انسانی است که چشم به این جهان باز میکند. امتیاز نیست، که خاص طبقات دارای جامعه باشد. کالا نیست، که خریداری شود. یک حق است، حتی انسانی!

سرنوشتی رژیم اسلامی شرط ضروری دست یابی به یک جامعه انسانی است. جامعه ای که حیات و رفاه و سعادت انسان رکن اصلی قانون اساسی اش است. ما در فردای شیرین سرنوشتی رژیم اسلامی تمام این جانین را به جرم جنایت علیه مردم ایران محاکمه خواهیم کرد. آن روز دور نیست!

نمی کند اما چاره ای هم ندارد. جمهوری اسلامی در میدان جنگ تنازع بقا به محاصره افتاده است. نه می تواند پیروز شود، نه می تواند تسلیم شود. عقربری است گرفتار در میان شعله های آتشی که از خشم میلیون ها انسان زحمتکش و نابود شده سر بر کشیده است و حتی خودش را هم میتواند نیش بزند. چرایی دست یازی به تروریسم خارج کشوری در اروپا بویژه در کشورهایی مانند آلمان و فرانسه و اسکانیناوی که یار غار رژیم در طول حیات ننگین این رژیم بوده و برای تثبیتش سنگ تمام گذاشته اند را باید در متن این شرایط و بخود پیچیدن حکومتی دید که با تشدید تروریسم خود را در مهلکه و محاصره و انزوای بیشتری قرار میدهد. حتی اگر این حرکات تروریستی امروز برای ارباب جامعه باشد که هست کور است و ابتر و بیش از هر چیز وحشت مرگ را در سیمای حاکمین نشان میدهد. در واقع تروریسم اسلامی با سرنوشتی حکومت ترویست اسلامی در ایران در همه جای جهان به سرازیری مرگ خواهد افتاد.

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد ویژگیهای سیاسی کردستان ایران

برآمد جنبش انقلابی و چشم انداز سقوط جمهوری اسلامی تقابل میان چپ و راست در سراسر ایران را قطبی تر و برجسته تر از گذشته کرده است. در کردستان این رویارویی عیان تر و متحزب تر از سایر مناطق است.

مردم کردستان نیز مانند مردم سایر مناطق ایران از مصائب و محرومیت ها و بیحقوقی هائی که ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران به زندگی آنها تحمیل کرده است رنج میبرند و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند.

اما در عین حال کردستان بخاطر وجود ستم ملی، سابقه مبارزه مسلحانه، متحزب بودن جامعه و وضعیت و تحرکات احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد در منطقه، و بخصوص فعالیت و نفوذ اجتماعی احزاب و نیروهای چپ دارای موقعیت ویژه و متفاوتی از سایر مناطق ایران است. در کردستان نیروی چپ، اعم از چپ اجتماعی و چپ سازمانیافته و متحزب، یک نیروی قوی و تعیین کننده است.

ناسیونالیسم کرد که اساسا بخاطر تجربه عراق رسواتر از گذشته شده است تلاش میکند از طریق بلوک بندی ها و بندوبستهای منطقه ای با نیروها و دولتهای ارتجاعی و اتکا به نیروی نظامی موقعیتی پیدا کند. ناسیونالیسم کرد آینده خود را در یارکشی و صفبندیهای منطقه ای میجوید و امیدوار است در سناریوهای موزائیکی قومی - مذهبی جائی در قدرت سیاسی در کردستان و یا در ایران پیدا کند. این سناریو به معنی ادامه محرومیت و بیحقوقی مردم و دامن زدن به تفرقه و تبعیضات ملی - قومی - مذهبی، این بار تحت عنوان ناسیونالیسم و ملی گرائی و قوم

دوستی است. فدرالیسم که از جانب نیروهای ناسیونالیست کرد طرح میشود نه تنها تبعیض و تفرقه افکنی های قومی - ملی را پایان و حتی تخفیف نخواهد داد بلکه عملا به تشدید و نهادینه کردن قوم گرائی و دامن زدن به تفرقه ملی میان مردم کردستان با سایر مناطق ایران منجر خواهد شد.

از نظر اجتماعی و سیاسی مبارزات کارگری و مدنی در شهرهای کردستان همانند بقیه ایران جایگاه برجسته ای در تحولات یافته است. صدها نهاد و تشکل مدنی و مبارزاتی در عرصه های مختلف در شهرهای کردستان شکل گرفته که نبضشان با مبارزات مردم ایران میزند. بویژه فعالین و چهره های جنبش کارگری در کردستان در کنار و همراه همزمانشان در مناطق دیگر ایران ثقل و موقعیتی سراسری یافته اند. از نظر عینی همسرنوشتی کارگر و توده مردم کردستان با مردم بقیه ایران بسیار بیشتر و برجسته تر از هر زمان دیگر در تاریخ تحولات کردستان است. این شرایط موقعیت مساعدی برای نیروهای کمونیست و قطب چپ جامعه در مقابل نیروهای راست ایجاد کرده است.

هر اندازه صف انقلاب در کل ایران قوی تر و چپ تر بشود ناسیونالیسم در کردستان ضعیف تر و حاشیه ای تر خواهد شد و چپ در کردستان موقعیت قوی تری پیدا خواهد کرد.

بر متن این شرایط نیروها و احزاب چپ در کردستان وظیفه دارند افق و آینده سیاسی روشنی در برابر جامعه قرار بدهند.

ازینرو ما اعلام میکنیم: الف- مطلوبترین و ممکن ترین راه رهائی مردم کردستان از ستم و تبعیضات ملی و همه مصائب و محرومیت ها و بیحقوقی هائی که به آنان تحمیل شده، سرنگونی

جمهوری اسلامی بقدرت یک انقلاب سراسری در ایران است. تحرکات و بند و بستها و سازشهای منطقه ای و فرامنطقه ای جریانات ناسیونالیست کرد با دولتها و نیروهای ارتجاعی مانعی بر سر راه تحقق این هدف است و باید پیگیرانه افشا و خنثی بشود.

ب- راه حل ما برای رفع ستم و تبعیضات ملی در کردستان، و در سایر مناطق ایران، برسمیت شناختن حقوق مساوی در همه زمینه ها برای همه مردم ساکن ایران است. تضمین حقوق شهروندی برابر برای همه مردم، مستقل از ملیت و نژاد و قومیت منسوب به آنها، تبعیض و ستم ملی را برای همیشه ریشه کن خواهد کرد.

ج- پاسخ ما کمونیستها به مساله ملی همه پرسى از مردم ساکن کردستان ایران در مورد جدائی و یا باقی ماندن در جغرافیای سیاسی ایران است. ما خواهان برگزاری فراندوم در کردستان در یک شرایط آزاد و دمکراتیک حول جدائی و یا باقی ماندن در ایران هستیم و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از برگزاری این فراندوم و یا برسمیت نشناختن نتیجه آن تحت عنوان حفظ تمامیت ارضی و مقابله با تجزیه طلبی و یا با هر توجیه دیگری را قویا محکوم میکنیم.

د- ما در عین اینکه نتیجه فراندوم را برسمیت میشناسیم، باقی ماندن در چهارچوب ایران بعنوان شهروندان متساوی الحقوق را توصیه میکنیم و بهترین راه برای حل ستم و تبعیضات ملی را باقیماندن مردم کردستان در جغرافیای

سیاسی ایران بعنوان شهروندان متساوی الحقوق میدانیم.

ه- ما اعلام میکنیم در ایران رها شده از سلطه جمهوری اسلامی، مذهب رسمی و زبان می تواند یک زبان از زبانهای رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی سراسری تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد. مردم کردستان در استفاده از زبان مادری خود در مکاتبات رسمی و در مراجع دولتی و در رسانه ها و در آموزش در مدارس کاملاً آزادند و دولت موظف است کلیه امکانات و تسهیلات لازم را برای تحقق این امر فراهم نماید.

و- ما همچنین اعلام میکنیم دولت برآمده از انقلاب باید در کردستان، و در سراسر ایران، اهداف زیر را فوراً عملی کند:

۱- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، گرایشات جنسی، ملیت و تابعیت.

۲- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی. امحای پدیده و مقوله زندان و زندانی سیاسی از قوانین و از فرهنگ جامعه.

۳- لغو مجازات اعدام. ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.

۵- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل

مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد.

۶- اعلام و تضمین آزادی بیقید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب.

۷- تامین فوری مبرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری بهداشت و درمان و آموزش و پرورش.

یک عامل مهم و موثر برای تحقق اهداف فوق و تثبیت آنها، متشکل شدن توده مردم در تشکلهای نوع شورائی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و متشکل ماندن در شوراها برای اعمال اراده مستقیم آنان در اداره امور جامعه است. اعمال قدرت شوراها بویژه در کردستان یک عامل تعیین کننده در مقابله با نیروهای راست و ناسیونالیست و تلاشهای آنان برای آلترناتیوسازی از بالای سر مردم خواهد بود.

از نظر ما توده مردم دفاع از اهداف فوق و تعهد به انجام آنها یک معیار واقعی در ارزیابی و شناخت احزاب و نیروهای سیاسی در اپوزیسیون و در پوزیسیون به شمار میرود.

ما توده های وسیع مردم محروم کردستان را به مبارزه در راه تحقق این خواستها فرامیخوانیم و از کلیه احزاب سیاسی انقلابی و کلیه مردم کردستان ایران و جهان میخوانیم در برابر جمهوری اسلامی و در برابر همه نیروهای مذهبی و قومی در هر رنگ و لباسی، از این بیانیه به دفاع برخیزند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
شهریور ۱۳۹۷
سپتامبر ۲۰۱۸

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

اعتصاب کارگران راه آهن و چند خبر اعتراضی دیگر

آغاز دور جدید اعتراضات کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن

روز ۷ مهرماه کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن در اعتراض به عملی نشدن وعده های داده شده و عدم پرداخت مطالباتشان دور جدیدی از اعتصابات خود را آغاز کردند. این کارگران از طریق مدیای اجتماعی تمام نواحی را در اعتراض به تعویق دو ماهه حقوق و حق بیمه و پرداخت ناقص حق سنواتشان، به اعتصاب سراسری فراخواندند. به گفته کارگران همه این اختلاسها به بهانه ورشکسته شدن شرکتها صورت میگیرد و تنها راه مقابل آنها اعتصاب است. در این روز کارگران خطوط ریلی راه آهن شاهرود و کرج آغازگر دور جدید اعتراضات این کارگران بودند. کارگران راه آهن شاهرود روز ۷ مهرماه در رابطه با حقوقهای معوقه و نامنوی شغلی شان دست از کار کشیدند و تجمع

اعتراضی برپا کردند. کارگران اعتصابی در کرج شعار می دادند: "دو ساله که دویسیم فقط دروغ شنیدیم".

کارگران راه آهن در رابطه با همین موضوعات قبلا نیز در چندین نوبت اعتصاباتی سراسری بر پا کرده اند. در این اعتراضات کارگران راه آهن بر ایجاد "شورای هماهنگی اعتصابات" و بیان خواستههای روشنی چون حق تشکیل تشکلهای مستقل کارگری، حق تجمع، لغو قراردادهای موقت و انعقاد قراردادهای دائمی، پرداخت باموقع حقوقها و حق بیمه کارگران و یکسان سازی حقوق کارگران رسمی و غیر رسمی، پرداخت به موقع حقوق کارگران در پایان هر ماه، و توقف اخراجها تاکید کردند. تاکید کارگران روی این خواستهها آشکارا جهت روشنی به مبارزات آنان داد و به سهم خود يك گام مهم در جلو آوردن گفتمان هایی چون حق تشکل،

حق تجمع و لغو قراردادهای موقت در جنبش کارگری بود.

ادامه تجمعات اعتراضی کارکنان بیمارستان امام خمینی کرج

از ساعت ۸ صبح روز هشتم مهرماه بالغ بر ۳۰۰ نفر از کارکنان بیمارستان امام خمینی همراه با برخی از پزشکان بیمارستان در اعتراض به وضعیت بلاتشکیف بیمارستان و مطالبات مزدی یازده ماهه، ابتدا در مقابل بیمارستان و بعد در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. همچنین تعدادی از خانواده های بیماران که اعضای خانواده شان در آنجا تحت درمان هستند، در حمایت از کارکنان بیمارستان در تجمع شرکت داشتند.

بنا بر خبر این بیمارستان به فروش گذاشته شده و در وضعیت بلاتشکیف قرار دارد. برای نمونه گفته میشود به دلیل فقدان تجهیزاتاتی مثل سرم حداکثر دو الی سه بیمار

پذیرفته می شوند. کارکنان این بیمارستان نیز تا پایان شهریور ماه قرارداد داشته اند و این قراردادها تمدید نشده است اما آنان همچنان به کار خود در بیمارستان ادامه میدهند. بدین ترتیب این کارکنان علاوه بر یازده ماه دستمزده پرداخت نشده، در خطر بیکار شدن از کار نیز قرار دارند. کارکنان بیمارستان امام خمینی در همین رابطه قبلا نیز تجمعاتی اعتراضی داشته اند.

دومین روزتجمع اعتراضی کارگران پیمانی فضای سبز اهواز

صبح روز ۸ مهرماه جمعی از کارگران پیمانی فضای سبز مناطق هشت، سه و چهار شهرداری اهواز که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری فعالیت دارند، بخاطر عدم دریافت سه ماه دستمزد خود بار دیگر در مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. این کارگران در روز قبل از آن مقابل ساختمان مرکزی شهرداری

تجمع تعدادی از پرستاران در مقابل دفتر تعاونی نظام پرستاری تهران

صبح روز ۷ مهر حدود ۵۰ نفر از پرستاران در تهران در اعتراض به بالا کشیدن سپرده هایی که برای گرفتن وام به تعاونی نظام پرستاری داده اند، در مقابل دفتر این تعاونی در تهران تجمع کردند. بنا بر خبر این پرستاران هر کدام ۸۰ میلیون تومان به تعاونی پرداخت کرده اند و حالا نه از بازگشت پولشان خبری هست و نه وامی به آنان پرداخت میشود. به گفته پرستاران سهیم در این تعاونی از اردیبهشت سال جاری تاکنون به غیر از تعداد معدودی از پرستاران به هیچ کدام از اعضا وام نداده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ مهر ۱۳۹۷،
۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸

در باره اعدام زینب سکانوند

حسن صالحی

صورتیکه متهم به قتل شوند بدون هیچ بی پشت و پناهی راهی مرگ می شوند.

دوم اینکه زینب مثل بسیاری از موارد دیگر از يك دادرسی عادلانه برخوردار نبود. او تنها در آخرین جلسه محاکمه به وکیل دسترسی پیدا کرد. اگر چه از پیش همه تصمیمات توسط قضات جانی جمهوری اسلامی گرفته شده بود. بعلاوه اینکه او مورد ضرب و شتم مامورین قرار گرفت و زیر شکنجه مجبور به اعتراف شده بود.

سوم اینکه زینب يك زن بود. در پانزده سالگی با مردی ازدواج می کند تا به خیال خود از "سربار بودن" برای خانواده اش خلاص شود. نمی دانست که مشقت و لگد و خشونت خانوادگی در انتظار اوست. کسی نمی خواهد به ظلمی که بر او رفت انگشت بگذارد. کسی نمی خواهد به قانونی که در ضدیت با وجود او بعنوان يك زن نوشته شده

است اشاره ای بکند. همه در باره قتل سخن می گویند. قتلی که اگر مقتولش زن می بود قاتلش به احتمال زیاد اعدام نمی شد. قتلی که او در نامه ای از زندان او را انکار کرده بود و فرد دیگری را بعنوان قاتل معرفی نمود.

و بالاخره او از اهالی کردستان ایران بود و بعد از دستگیری در سال نود، در سال نود و هفت اعدام شد. جمهوری اسلامی او را هفت سال نگه داشت. گروگانی بود که در وقت مناسب برای انتقامجویی از مردم معترض کردستان او را به دار آویخت. جمهوری اسلامی يك حکومت تمام عیار فاشیستی و ضد مردم کردستان است.

اعدام زینب اما مثل همه اعدامهای ماههای اخیرنه باعث ترس که باعث نفرت و خشم مردم علیه جمهوری اسلامی می شود. جلوی قتل و آدمکشی جمهوری اسلامی را اما تنها با ابراز خشم و نفرت نمی توان گرفت. باید دستهایمان را به هم دهیم، متحد شویم، و یکصدا فریاد بزنیم نه به اعدام، زنده باد زندگی!

مراسم بیست و هفتمین سالگرد حزب کمونیست کارگری



برنامه شامل:

- فیلم کوتاهی از فعالیت های حزب
- سخنرانی: میتا احدی، حمید تقوایی
- موزیک زنده: از گروه هنری کاروان با مسئولیت فریبرز کرمی
- و برنامه های متنوع دیگر

یوتیوبوری (سوئد)

شنبه - ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸

از ساعت ۷ عصر

محل: Folkets Hus Hammarkullen

یا اسپوره های ۴، ۸ و ۹ یطرف Angered

غذا و نوشیدنی در محل موجود است.

ورود برای عموم آزاد است. روز و ساعت این برنامه را بخاطر بسپارید و دوستانتان را نیز به این برنامه دعوت کنید.

تلفن تماس: +46 (0)737178819

حزب کمونیست کارگری ایران، تشکیلات گوتتبرگ

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود